

طرحی نو در برابر حاشا الحسنی

اخلاق ممدوی

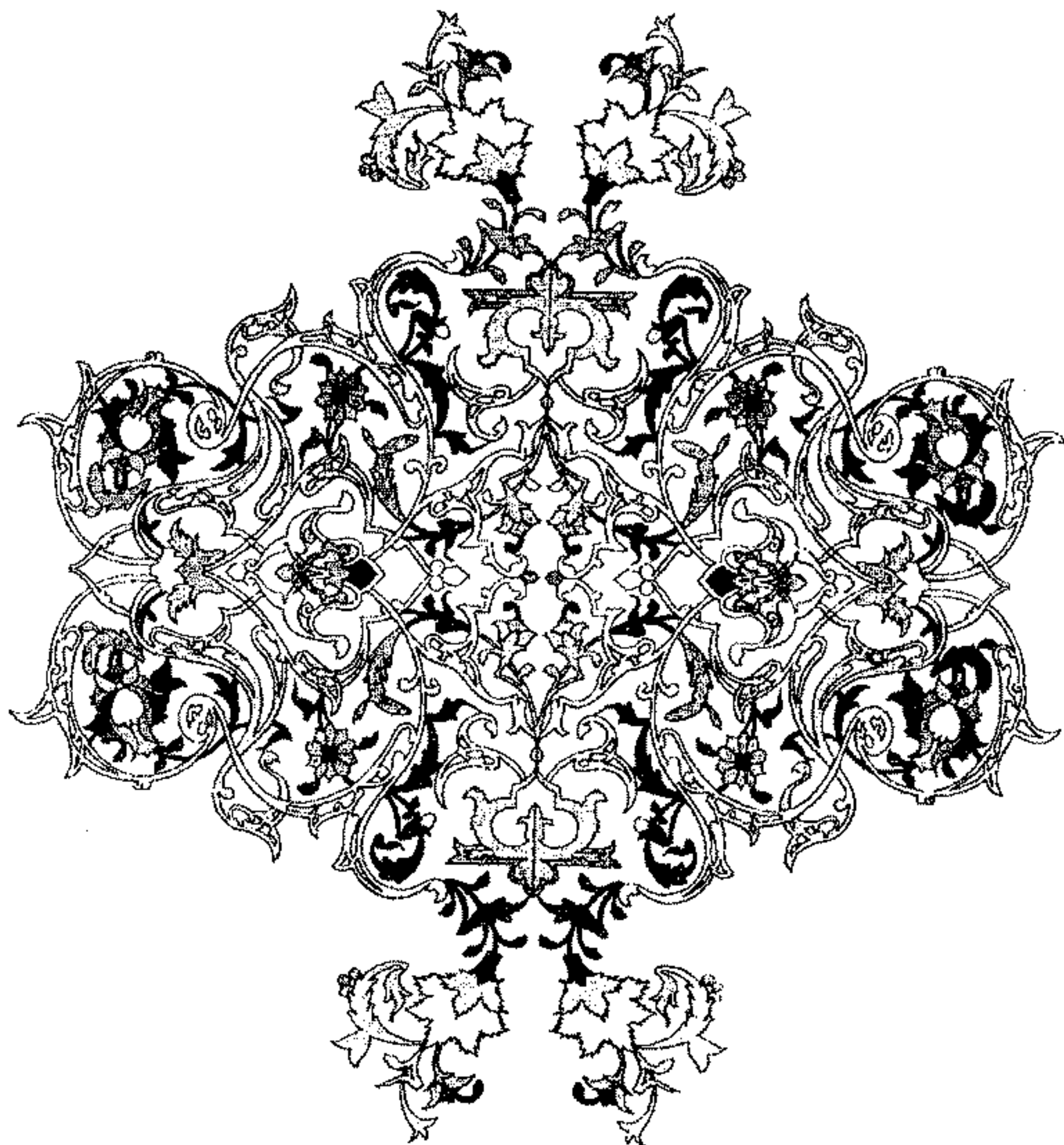
و

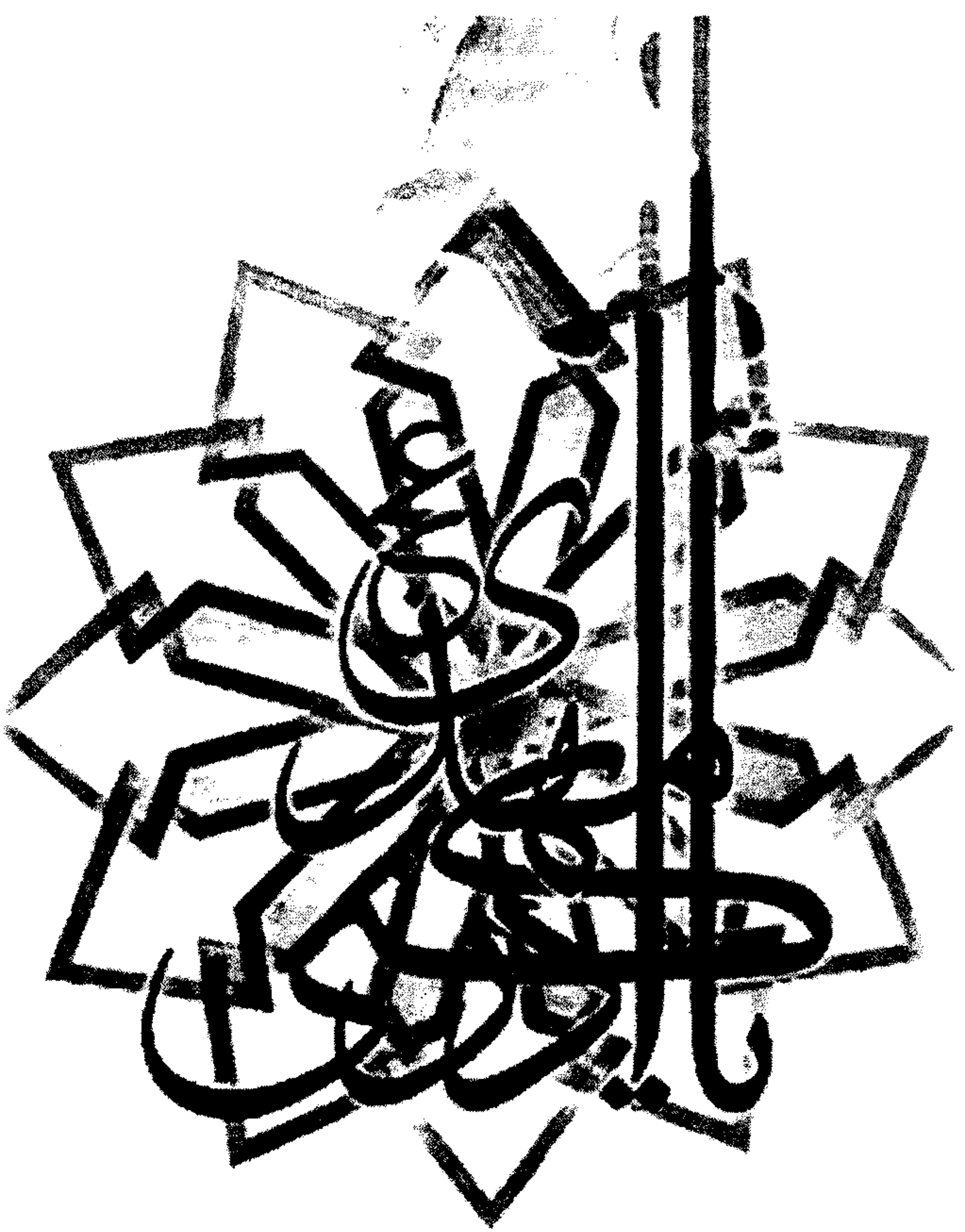
ممدویت اخلاقی

محمّد حسین خان

ویژه عاشقان کوی حضرت و منتظران قدم مبارکش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





نویسنده : غلامحسین خالقی

مقدمه.....	۴
اخلاق مهدوی.....	۹
تعدیل افکار در عصر حضرت ولی عصر (عج).....	۱۶
رحمت خدا در عصر امام زمان علیه السلام.....	۱۹
برادری و یگانگی در عصر مولا امام زمان (عج).....	۲۱
خلوص حضرت مهدی (ع).....	۲۲
حلم امام زمان (ع).....	۲۹
مهدویت اخلاقی.....	۳۳
کوشش در تطهیر قلب.....	۴۳
راز و نیاز با خدای بزرگ.....	۴۹
درسی از قرآن.....	۵۶
پای درس امام زمان (ع) برای فراگیری خوبیها.....	۶۲

اخلاق مهدوی و مهدویت اخلاق

سخن ما در این کوتاه مقال پیرامون اخلاق مهدوی یعنی خلقیات و رفتار ویژه حضرت مهدی (ع) است زیرا که حضرت، خاتم ولایت، وصایت، امامت و خلافت الهی است یعنی هر امری در حضرت مهدی به نیکو ترین وجهش تجلی می کند. هر آنچه که دیگر انبیاء فرصت پیاده کردن آن را نداشتند به بهترین حالتش در فرصتهای زیبایش آن را به منصه ظهور می رساند و از سوی دیگر اعتقاد به وجود حضرت مهدی (ع)، شجره طیبه و درخت مبارکی است که در اعماق روح و جان منتظر و دوستدار آن حضرت ریشه می دواند و هر آن به اذن پروردگارش ثمره و میوه اش را بیرون می دهد. پس سخن ما در دو بخش و در دو گفتار تقدیم می شود:

- ۱- اخلاق مهدوی
- ۲- مهدویت اخلاقی

اخلاق مهدوی و مهدویت اخلاقی

مقدمه

سپاس بی حد خدای را باد که آفریننده همه ستایش ها اوست و درود بی حد بر روان پیغمبر مرسل و نامرسل خصوصاً سید رسولان و مفخر همه عالمیان رحمة للعالمین محمد مصطفی (ص) و بر خاندان طیب و طاهرش از زهرای بتول و علی عالی اعلی و برتر از درک کنه صفاتش یعنی اول وصی و جانشینش تا خاتم اولیاء و جانشینان ذخیره خدا و بقیه الله غایب از دیده ها ؛ حاضر در دلها حضرت مهدی امام زمان ؛ مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه) و خدای را سپاس داریم که ما را به این شریعت سهله ، یعنی آسان ، سمحه ، که در آن گذشت بزرگوارانه زیاد است ، که مطابق با فطرت و سرشت انسان است ؛ هدایت نمود و دینی به ما عطا نمود که اگر همه دانشوران جهان به گرد هم آیند و بخواهند خوبی ها و زیبایی های نهفته در معارف و دستورات این دین را بیرون کشند هرگز به خط و نقطه پایان آن نرسند که شگفتا خدای نامحدود در این آیات محدود ؛ خود را جلوه گر و نمایان کرده . پس هر چه در این دریای قرآن غواصی کنی نهایت آن و تمام گوهرهایش را نبینی که این نوع جلوه گری را در وجودات مقدس و مشکوة انوار چهارده معصوم پاک مشاهده می کنی چرا اینگونه این دو نباشند که هر یک منطوق و مدلول این نیکو آیت قرآند :

و تَمَّتْ کَلِمَةُ رَبِّکَ صِدْقًا وَّ عَدْلًا لَا مَبْدَلَ لَکَلِمَاتِهِ .

و کلمه پروردگارت از روی راستی و عدل به پایان رسید ؛ هیچ تبدیل کننده ، که بدل این کلمه ، کلمه دیگری آورد ؛ چه قرآن و چه معصوم ، برای کلماتش نیست .

و نیز این قرآن فصل الخطاب همه امم و قیچی کننده اختلافات عقیدتی ، رفتاری بین انسانهاست که خود فرمود :

ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم (اسری ۹) این قرآن به آن راهی که از همه

استوارتر است هدایت می کند .

انه لقول فصل و ما هو بالهزل (طارق ۱۳ و ۱۴)

همانا آن قول فصل ، سخنی بریده ، قطعی ، تمام ، حرف نهایی و آخر است و آن سخن یاوه ای نیست . و این قرآن بدان حد عظیم است که در آن دانشی نهفته شده که اگر بشر بر آن دست یابد هر آینه تواند که با آن کوهها را حرکت دهد و یا با آن با مردگان سخن گوید و نیز تواند بدون استفاده از هر نوع مرکبی به هر کجای زمین که اراده کند به آن با یک اراده حضور پیدا کند ، مگر این سخن قرآن حق نیست؟! و لو ان قرآناً سیرت به الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی (رعد ، ۳۱)

حال این قرآن بزرگ و کتاب کریم نیازمند به الگو و آینه تمام نماست که در خود معارف و حقایق و اخلاق و دستور و راه و رسم زندگی ، بندگی ، نوازش خلق ، هدایت انسان و کرامتش را جمع کند که تا خود پیامبر در بین مردم است این نیاز توسط آقا برطرف می شود و هرگاه که به افق برتر پرواز کند این امر در وجود جگر گوشه و صفیه اش فاطمه اطهرش و دوازده معصوم جلوگر شود که قال الله تعالی : و انزلنا معهم الكتاب و المیزان . با رسولان کتاب و ترازوی سنجش نازل کردیم که خود پیامبر بر این الگوها تصریح کرده : من دوازده جانشین دارم به تعداد نقبای ، جلوداران ، پشاهانگان بنی اسرائیل و آخری آنها مهدی است و در دیگر سخن فرموده : اول آنها علی و آخر آنها مهدی است .

که شگفتا در روایات اهل تسنن قضیه را از این گسترده تر می بینیم تا بدانجا که خوارزمی در مناقبش از رسول خدا (ص) در بیان بعض آنچه که در مراجعش دیده نقل می کند که : قال لی انظر الی یمین العرش فنظرت فاذا انا بعلی و فاطمة و الحسن و الحسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و محمد المهدی ابن الحسن کوکب دری بینهم

(خدا) به من فرمود به سمت راست عرش نگاه کن ، پس نگاه افکندم ، پس ناگهان در برابر خویش یافتم علی و فاطمه و حسن و حسین و علی پسر حسین و محمد پسر علی و جعفر پسر محمد و موسی پسر جعفر و علی فرزند موسی و محمد فرزند علی و علی فرزند محمد و حسن فرزند علی و محمد المهدی فرزند حسن ستاره ای درخشان در بین آنها بود . سپس فرمود : ای محمد اینها حجت های من بر خلقم می باشند و به این آقا ، یعنی مهدی (ع) ، خونخواهی از کشندگان خاندان تو خواهم نمود و دوستانم را یاری خواهم کرد .

و این را بدان ای خواهر و برادر که خدا تو را یاری کند آنقدر در مجامع روائی و حدیثی اهل تسنن روایت درباره این دوازده نور پاک و مادر آنهاست که بفرموده بعضی اگر بر فرض روزی تمام کتب شیعه امامیه را آتش زنند برای اثبات حقانیت عقاید شیعه خود کتابهای اهل تسنن کافی است و شگفتا که در سه کتاب از کتب آنان تا بدانجا پیش رفته اند که حتی مقامات دوازده امام در قیامت کبری را از رسول خدا (ص) بدینصورت نقل کرده اند :

انا واردکم علی الحوض و یا علی انت الساقی و الحسن الذائد و الحسین الامر و علی بن الحسین الفارط و محمد بن علی الناشر و جعفر بن محمد السائق و موسی بن جعفر محصی المحبب و المبغضین و قامع المنافقین و علی بن موسی مزین المؤمنین و محمد بن علی منزل اهل الحنة درجاتهم و علی بن محمد خطیب و شیعتہ و مزوجهم حور العین و الحسن بن علی سراج اهل الجنة و المهدی (ع) شفیعهم حیث لا یأذن الله الا ان یشاء یرضی (مقتل الحسین خوارزمی ۹۵/۱)

من قبل از شما بر حوض کوثر وارد می شوم و تو ای علی سیراب کننده ای و حسن بازدارنده و حسین دستور دهنده و علی فرزند حسین ساز و برگ و توشه را فراهم کننده و محمد فرزند علی نشر کننده (نشر کننده دیوان اعمال و یا) و جعفر فرزند محمد سوق

دهنده (کشاننده) و موسی فرزند جعفر شمارش گر دوستان و دشمنان و ریشه کن کننده منافقان و علی فرزند موسی زینت دهنده مؤمنین و محمد فرزند علی فرود آورنده مؤمنین در درجاتشان و حسن فرزند علی چراغ اهل بهشت است و مهدی (ع) شفیع آنهاست در جایی که خدا اجازه نمی دهد مگر اینکه بخواهد و راضی شود.

از این شگفت تر که بعضی از آنان مدعی دیدار و ملاقات با آن حضرتند که از این جماعت شیخ حسن عراقی است که مدعی است دانش عرفانی خویش را از امام زمان کسب نموده است و بعضی از مریدان چنین عقیده ای درباره او دارند می گویند رسول خدا دست شعرانی را در دست امیر المؤمنین نهاده و فرموده او را مانند یکی از فرزندان تربیت کن و نامبرده در نجف اشرف زیارت امیر المؤمنین مشرف می شود تا بدانجا در کنار امام رحل اقامت می افکند و از عنایات امیر المؤمنین برخوردار می شود که در این نوبت امیر المؤمنین امر تعلیمش را به فرزندشان امام زمان می سپارد و او در نزد امام زمان معارف همه کتب آسمانی را فرا می گیرد و شاه ولی الله دهلوی سلسله اساتید خویش را تا بلاذری از علماء قرن سوم هجری ذکر می کند که هر یک از دیگری و در نهایت^(۱) بلاذری مدعی است که بالمشافهه یعنی از دو لب مبارک امام زمان (ع) حدیث مشهور سلسله الذهب را که در باب توحید خداست گرفته که او می گوید: حدیث کرد مرا محمد بن الحسن بن علی محبوب امام عصر خود یعنی حضرت مهدی غایب از نظر فرمود: حدیث کرد مرا حسن بن علی از پدرش از جدش از پدرم جد او، حدیث کرد مرا پدرم علی بن موسی الرضا حدیث کرد مرا موسی الکاظم علیه السلام گفت حدیث کرد ما را پدرم جعفر الصادق (ع) حدیث کرد ما را پدرم محمد الباقر بن علی (ع) حدیث کرد ما را پدرم علی بن ابیطالب علیه السلام سید الاولیاء گفت خبر داد ما را سید انبیاء محمد بن عبد الله (ص) فرمود: خبر داد مرا جبرئیل (ع) سید ملائکه گفت که فرمود خدای تعالی سید السادات:

(۱) - ر.ک نجم الثاقب مرحوم محدث نوری ص ۲۳۹ و ۲۴۰

انّی انا الله لا الله الا انا من اقرّ لی التوحید دَخَلَ حِصْنِی وَ مِنْ دَخَلَ حِصْنِی
 امن من عذابى . بدرستی که منم خداوندی که نیست خدایی غیر از او ، کسی که اقرار
 نماید به یگانگی من داخل شده در حصن من و کسی که داخل شده در حصن من ایمن است
 از عذاب من .

حال ای دوست آیا بر من و تو روا نیست که قدری با این آقا که آخرین میزان و الگوی
 پاک از خیل عظیم انبیاء و اولیاست آشنا شویم ؟ و اخلاق نیکو و حمیده او را بشناسیم و نحوه
 اقتدای به آن حضرت را فرا گیریم تا با اقتدای به آن حضرت انشاءالله وجودش را لمس کنیم
 و ما نیز دامن خویش را از گلهای بوستان کلامش در ادامه کار پر کنیم و به سعادت دنیا و
 آخرت با هدایتش برسیم و چه بسا جمعی از ما مؤمنان بتوانند با شناخت نیکوی آن و حضرت
 عشق و افری که بالطبع به آن حضرت پیدا می کند برای یاری آن حضرت آماده شود و خدای
 بزرگ وقتی که احساس نیاز دوستان آن حضرت را به آن عزیز مشاهده کند به نیازشان پاسخ
 گوید و آن حضرت را برای همه خلایق آشکار گرداند . و ما در آن حالت بگوییم : الْحَمْدُ
 لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ .

و السلام علیکم

پنجم رمضان ۱۴۲۵ هـ . ق مطابق با ۲۹/۷/۸۳ هـ . ش

حوزه علمیه کرمان

غلامحسین خالقی

گفتار نخست

اخلاق مهدوی

خود این اسم مبارک حضرت گویای راه یافتن حضرت به همه خوبیها و کمالات است بلکه امام مهدی (ع) به اموری هدایت شده که بر دیگران مخفی و پوشیده است لَآنَّه یهدی الی امرٍ خفیٍّ (برای این که او به امری پوشیده هدایت میشود) و در نتیجه دیگران را نیز از جمله به امور مخفی و پوشیده ی اخلاق هدایت میکند، و در اینجا اگر لفظ یهدی در فرمایش فوق الذکر امام صادق (ع) به صیغه معلوم یهدی خوانده شود معنایش این است که او به امر پوشیده ای هدایت می کند، حال تا آنجا که مقدور ماست بینیم آن حضرت دارای چه نوع سلوک رفتار ویژه ای اخلاق است و ما را به چه هدایت می کند.

الف- عدل مطلق، عدل منتظر^(۱)

یکی از ویژگیهای آن حضرت اینست که او صاحب عدل مطلق، فراگیر، جهان شمول و بدون قید است. بنابراین در آن نظام روحیه التیام، خو گرفتن دلها به یکدیگر بر جان و روح بشر حاکم می شود این همه دزدی، خیانت، جنایت و قانون گریزی که در جوامع بشر دیده می شود دلیل عمده اش وجود جور و ستم در قوانین حاکم بر کشورها و یا جور در مقام تطبیق و اجرای قوانین است. حضرت زهرا مرضیه در آن خطبه تاریخی در مسجد النبی در باب حکمت عدل فرموده اند: وَ الْعَدْلُ تَنْسِيقًا لِلْقُلُوبِ. و عدل را وسیله جلب محبت و انس بندگان با یکدیگر قرار

۱- اللهم و صل علی ولی الامرک القائم المؤمل و العدل المنتظر. و خدایا درود فرست بر ولی امرت

همان امام قائم آرزوشده و عدلی که همه در انتظار اویند. (دعای افتتاح)

داده .

و اما دیگر انسانها :

یک چندان ، چون خود بنحوی مقهور و مغلوب هواها و هوسها و غرایز و امیال خویش و یا مقهور خواست و اراده دیگرانند نمی توانند بر کرسی عدل بنشینند گر چه همه هم خویش را مصروف اقامه عدل کنند

دو چندان ، و اینان بهره شان از شناخت انسان و حدود عدل محدود است : و ما اوتیتم من العلم الا قليلاً (و از علم و دانش داده نشده اید مگر به مقداری اندک).

سه چندان ، و آنان که با همان شناخت اندک از عدل الهی بر فرض رهایی از هواها و هوسها در صدد ایجاد مدینه فاضله هستند چون نظام جهانی نظام جنایت و ظلم و جور است در راه ایجاد مدینه فاضله - ولو در همان بعد محدودش - مانع تراشی می کنند و نمی گذارند جامعه ای عدل در گوشه ای از زمین تشکیل شود .^(۱)

اکنون بینیم حضرت ولی عصر چه شده که عدل مطلق گشته و فوائد این عدل آن هم با این گستردگی چیست ؟

۱- امام زمان بندگان خدا را برای خدا دوست می دارد و برای او همه بندگان خدا یکسان و مساویند چه مرد و چه زن چه کوچک و چه بزرگ ، شهری ، روستایی و با هر وابستگی نژادی و قومی که این همان سیره پدران بزرگوار اوست که در این باره

(۱) و تاکید ما بر این امور به معنای آیه یأس خواندن نیست و مسئولیت دینی را از ما برای اقامه قسط و عدل در حد توانمان سلب نمی کند بلکه باید حضرت مهدی را نصب العین خویش در اجرای قسط قرار

مولا امیر المؤمنین می فرمود: **أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا آرَيْدُكُمْ لَلَّهِ وَ أَنْتُمْ تُرِيدُونَنِي لِأَنْفُسِكُمْ .**

مردم من شما را برای خدا می خواهم و شما مرا برای خودتان . یعنی شما سود و نفع خویش را در این علی خواهی در نظر می گیرید در حالیکه من شما را برای خدا دوست می دارم .

و اگر بخواهیم این مسئله را قدری بُرهانی کنیم می گوئیم حضرت ولی عصر به حکم امامت دارای این خصوصیات اخلاقی است :

الف : خلیفه خداست

ب : داعی الی الله یعنی دعوت کننده به سوی خداست

ج : مأمور نجات بشریت است پس هر سه مقام اقتضای محبت زائد الوصف و بی قید به بندگان خدا را دارد او آب رحیم ، پدری مهربان است ، همان گونه که در دعای عبرات^(۲) مشاهده می کنیم .

۲- و دانش امام نیز دانشی وسیع و گسترده است . هم احاطه به همه ابعاد عدل و فرودگاههای آن را دارد و هم توانایی روحی و جسمی بر اقامه آن را دارد و اگر بخواهیم آن را در یک کلمه تبیین کنیم می گوئیم امام زمان صاحب لیلۃ القدر است و اندازه وجودی هر انسانی در اختیار امام و حجت خدا قرار می گیرد و او می داند که در هر ظرف به اذن الله چه بریزد .

۲- و اتقرب الیک بالحفیظ العلیم الذی جعلته علی خزاین الارض و بالآب الرحیم الذی ملکتہ ازمۃ

البسط و القبض . خدایا به سوی تو تقرب می جویم به آن نگهبان دانا که او را مأمور گنجینه های زمین قرار دادی و به پدر مهربانی که زمام بسط و قبض روحها و روزیهای ما را به او واگذار نمودی

و اما در توانایی جسمیش همین اندازه بس که در حدیث معتبر ریان بن صلت از امام هشتم که آن را شیخ صدوق در جلد دوم کمال الدین آورده است می خوانیم:

ولکن صاحب الامر آن کسی است که خدا قدرتی به او عطا کرده است که اگر دستش را به طرف بزرگترین درخت زمین دراز کند هر آینه او را از جای بر می کند.

ولو صاح بین الجبال لتدکت صخورها .

و اگر بین کوهها بانگ زند هر آینه سنگهای سختش ریز ریز خواهد شد .

۳- و چون بر جهان به اذن الله غلبه می کند و وارث زمین می شود هیچ مانعی در راه اقامه عدلش وجود نخواهد داشت و دیگر کار شکنی در راه عدل امام وجود ندارد .

۴- و مردم نیز رشد فرهنگی یافته و از ستم و جور قبل از ظهور به ستوه آمده اند و در نتیجه این امور در آن عصر تجلی می کند . « اذا قام قائم قائمنا وضع الله یدیه علی رؤوس العباد فجمع به احلامهم و کملت به عقولهم » . وقتیکه قائم ما

صلوات الله علیه بپا خیزد خدا دست بندگانش را بر سر بندگانش می گذارد

پس بدان وسیله رؤیایها و آرزوهای بشر جمع می شود و همه خواهان یک چیز خواهند شد و عقلشان نیز کامل می گردد . در آن روز مردم خیزش عمومی برای اقامه عدل خواهند داشت . (ليقوم الناس بالقسط)

۵- و حضرت چون قانون قرآن و شریعت دین را پیاده می کند و شریعت نیز مطابق با فطرت است پس هیچ ظلمی در آن حکومت نخواهد بود . به این کلام معجز اثر امام هشتم صلوات الله علیه که در بالا به آن اشاره شد بنگرید : الرابع من ولدی ابن سیده الاماء يطهر الله به الارض من کل جور و یقدسها من کل ظلم و هو

الذی یشکّ الناس فی ولادته و هو صاحب الغیبة قبل خروجه فاذا خرج
اشرقت الارض بنور ربّها و وضع میزان العدل بین الناس فلا یظلم احدٌ احداً
(بحار ج ۵۲ ص ۳۲۱ و ۳۲۲ حدیث ۲۹)

چهارمین از فرزندان من که پسر سرور کنیزان است خدا به او زمین را از هر
ناروایی پاک می کند و آن را از هر ستمی آن چنان پاک می کند که زمین یک نوع
قداست به خود می گیرد و او کسی است که مردم در ولادتش شک می کنند و او
صاحب غیبت قبل از خروجش ، قیامش می باشد . پس هر گاه بیرون شود زمین به
نور پروردگارش تابان گردد و میزان عدل را در بین مردم بنا نهد . پس هیچ فردی به
فرد دیگر ستم نکند .

ببینید امام هشتم درباره شدت ریشه کنی ستم بوسیله آن حضرت لفظ تقدیس را
می آورند که زمین به او از هر ستمی تقدیس شود خود زمین یکنوع قداست پیدا می
کند بحدیکه این آیه مبارکه سوره زمر: « وَ اَشْرَقَتِ الْاَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا » و زمین به
نور پروردگارش تابان می گردد در آن عصر جلوه گر می شود .

و اینک این تو و این زبور داود ، بین درباره عدل مهدی چه می گوید :

« ای خدا احکام خود را به ملک زاده عطا فرما تا آن که قوم تو را به عدالت و
فقرای تو را به انصاف حکم نماید به قوم کوهها سلامت و کویرها عدالت برساند .
فقیران قوم تو را حکم نماید و پسران مسکین تو را نجات دهد و ظالم را بشکند
در روزهایش صدیقان شکوفه خواهند نمود . زیادتی سلامتی تا باقی ماندن ماهد »
(خواهد بود) .

از دریا به دریا و از نهر تا به اقصای زمین سلطنت خواهد نمود بلکه تمامی ملوک او کرنش خواهند نمود و تمامی امم او را بندگی خواهند کرد زیرا که فقیر را وقتی فریاد می کند و مسکینی را که نصرت کننده ندارد خلاصی خواهد بود .

(کتاب مقدس - مزمور ۲۷)

و هم اکنون وجهه هایی از عدالت حضرت مهدی (ع)

الف: توجه به حقوق طبیعی انسانها

از خواب ، خوراک ، استراحت ، تفریح ، استنشاق هوای تمیز و غیر آلوده ، استفاده از تمام امکانات طبیعی که خدا در درون این زمین و برای اهل آن قرار داده است . توجه به نیازهای غریزی خصوصاً جنسی و غیره ... ، چگونه ؟

خواب و استراحت : المهدی لا یوقظ نائماً و لا یهریق دماً . مهدی خوابی را بیدار نمی کند و خونی را نمی ریزد . (پیامبر اکرم)

پس هم خواب و استراحت و هم امنیت اجتماعی ، استنشاق هوای تمیز و غیر آلوده ، مصون بودن از آلودگی صوتی و غیره ...

ما در کلام امام هشتم دیدیم که عصر تابان گشتن زمین به نور پروردگارش است پس این همه فساد و آلودگی که قرآن می گوید :

ظهر الفساد فی البرّ و البحر بما کسبت ایدی الناس

فساد در خشکی و دریا غالب گشته که آن هم در اثر اعمال مردم است همان گونه که در دعای عهد امام زمان می بینیم این مربوط به دوران قبل از ظهور از جمله دوران غیبت آن حضرت است و اما آن زمان ، دیگر هیچ اثری از هیچ نوع فسادی نخواهد بود حتی صنعتش نیز مطابق با نظام طبیعت است و نظام طبیعی کره زمین را در هیچ امری به هم

نخواهد زد. علی الله قصد السبیل. بر خداست راه میانه و معتدل در هر چیزی از جمله در صنعت و خصوصاً وسایل نقلیه را نشان دهد. ^(۱)

ب- استفاده از همه امکانات طبیعت

در عصر حضرت این آیه مبارکه قرآن: هوالذی خلق لکم ما فی الارض جمیعاً (آن خدا کسی است که هر چه را در زمین است برای شما آفرید) لباس حقیقت به خود می گیرد. زیرا هم مرزها برداشته می شود، و سیروا فی الارض (در زمین سیر کنید) اثر آن جامه عمل به خود می پوشد و هم استعدادهای علمی بشر در به کار گیری از مواهب خدادادی زمین به حد اعلای خود می رسد.

امام صادق (ع) در سخنی فرموده اند: علم بیست و هفت حرف است مردم دو تای آن را قبل از قیام قائم (ع) خواهند آموخت و بیست و پنج تای دیگر آن مربوط به زمان بعد از قیام قائم است و توجه به نیازهای غریزی خصوصاً جنسی آن عصر، عصر تجلی احکام قرآن است. امکانات ازدواج سالم برای همه فراهم می شود. هر مانعی در راه ازدواج برداشته می شود. دیگر زن جوانی که همسر از دست داده از بیم درگیری فامیل همسر سابقش محروم از ازدواج دوم نمی شود. دیگر کسی بر مردی که تنها گشته بر ازدواج مجددش ریشخند نمی زند.

عصری شبیه عصر رسول خدا حاکم می شود و مانند آن زن به خود جرأت می دهد که در حضور صحابه رسول خدا (ص) بالصراحه عرض کند: یا رسول الله زوجنی. ای فرستاده خدا مرا به عقد مردی در آور و پیامبر نیز بلافاصله خواسته آن زن را به

(۱) برای آگاهی بیشتر در این موضوع به مقاله اینجانب تحت عنوان آیا همه علوم بشری در قرآن وجود دارد رجوع کنید.

جابت برساند و بفرماید: مَنْ لَهَا . کدامیک از شما می خواهید با این زن ازدواج کنید؟ مردی که همدوش این زن باشد کیست؟ که در نهایت آقاوی را به عقد مردی در می آورند و مهریه اش را تعلیم ده سوره از قرآن مجید قرار می دهند. بلکه باید بدانیم که امام زمان (ع) با برنامه ریزی دقیق و فراهم آوردن امکانات ازدواج و آموزش عمومی حتی یک زن و مرد بدون همسر که احساس نیاز به همسر داشته باشد بدون همسر نخواهد گذاشت.

و دیگر حتی ستمی که همسران در این امور به یکدیگر دارند در آن عصر نخواهیم دید: فلا یظلم احداً احداً (هیچ کس به دیگری ستم نخواهد کرد).

تعدیل افکار در عصر حضرت ولی عصر (عج)

زمانی یک حاکم و یا هیئت حاکمه یک کشور می تواند عدل را در آن جامعه پیاده کند که زمینه روحی پیاده شدن عدل توسط مردم فراهم شده باشد. مثلاً اگر دستوری گرچه عادلانه و حق باشد و لکن مردم عدل بودن آن را درک نکرده باشند هر چند حاکم یا حاکمان سعی کنند باز هم در مقام اجرا با مشکل روبرو می شوند. بنا بر این قبل از هر چیز هم نظام حاکمیت باید متوجه کار فرهنگی برای درک موقعیت هر امری از امور عادلانه باشد و امام زمان بهترین مرشد در این زمینه است. او منافع و مضار هر چیزی را برای بندگان خدا تشریح می کند. علاوه بر آن قداستی که خود امام زمان علیه السلام دارد و قداستی که دستورات دینی امام در جامعه دارد سبب علاقه مردم به فرامین آن حضرت می شود، خصوصاً وقتی که جامعه این را دریافته که امام خبر دهنده صادق از طرف پروردگار است. رسول خدا در خطبه

اجابت برساند و بفرماید: مَنْ لَهَا . کدامیک از شما می خواهید با این زن ازدواج کنید؟ مردی که همدوش این زن باشد کیست؟ که در نهایت آقاوی را به عقد مردی در می آورند و مهریه اش را تعلیم ده سوره از قرآن مجید قرار می دهند. بلکه باید بدانیم که امام زمان (ع) با برنامه ریزی دقیق و فراهم آوردن امکانات ازدواج و آموزش عمومی حتی یک زن و مرد بدون همسر که احساس نیاز به همسر داشته باشد بدون همسر نخواهد گذاشت.

و دیگر حتی ستمی که همسران در این امور به یکدیگر دارند در آن عصر نخواهیم دید: فلا یظلم احداً احداً (هیچ کس به دیگری ستم نخواهد کرد).

تعدیل افکار در عصر حضرت ولی عصر (عج)

زمانی یک حاکم و یا هیئت حاکمه یک کشور می تواند عدل را در آن جامعه پیاده کند که زمینه روحی پیاده شدن عدل توسط مردم فراهم شده باشد. مثلاً اگر دستوری گرچه عادلانه و حق باشد و لکن مردم عدل بودن آن را درک نکرده باشند هر چند حاکم یا حاکمان سعی کنند باز هم در مقام اجرا با مشکل روبرو می شوند. بنا بر این قبل از هر چیز هم نظام حاکمیت باید متوجه کار فرهنگی برای درک موقعیت هر امری از امور عادلانه باشد و امام زمان بهترین مرشد در این زمینه است. او منافع و مضار هر چیزی را برای بندگان خدا تشریح می کند. علاوه بر آن قداستی که خود امام زمان علیه السلام دارد و قداستی که دستورات دینی امام در جامعه دارد سبب علاقه مردم به فرامین آن حضرت می شود، خصوصاً وقتی که جامعه این را دریافته که امام خبر دهنده صادق از طرف پروردگار است. رسول خدا در خطبه

دریافته که امام خبر دهنده صادق از طرف پروردگار است. رسول خدا در خطبه غدیریّه می فرماید: «الا انه هو المخبر السديد عن ربه و لا حقّ الا معه» آگ باشید که او خبر دهنده راستگو، بدون کوچکترین خلل در کلامش از جانب پروردگارش است و هیچ حقی نیست مگر اینکه با اوست.

نظارت دقیق بر اجرای عدل و قانون

علی (ع) در خطبه ۳۷ پیرامون حضرت مهدی (ع) می فرماید: «یاخذ الوالی مر غیرها عمالها علی مساوی اعمالها» والیی که غیر از خاندان جور است کارگزارانش را بر بدی اعمالشان مواخذه می کند. (یا والیی که از سنخ سایر ولایه نیست ...)

عدل حضرت مهدی (ع) در قضاوت

قضاوت مولانا المهدی (ع) دارای دو ویژگی ممتاز است.

الف- از کسی بیّنه، شاهد، سند و چیزی که اثبات کننده مدّعی فرد باشد نمی طلبد. در روایات اهل البیت از امام صادق (ع) است: «یقضی بقضاء داود و لا یسئل بیّنه» همانند داود پیغمبر حکم می کند و بیّنه طلب نمی کند در اینجا امام به علم باطنی خویش عمل می کند زیرا امام علیه السلام صاحب علم لدنی است یعنی علم بدون شائبه^(۱) از نزد خدا^(۲) زیرا او صاحب لیلۃ القدر است همانگونه که قبلاً به آن اشاره شد.

- ۱- علم بدون شائبه، یعنی علمی که به هیچ وجه جهلی در آن نیست و از تصرف قوه، وهم و خیال به دور است. چون خدای بزرگ حضرتش را واقف بر اشیاء و اعمال بندگان خویش گردانیده
- ۲- نمونه این علم را در قرآن درباره خضر پیغمبر می بینیم: اتیناه من لدنا علماً. از نزد خودمان به او علم عطا کردیم. دانش بشری تجربی است و می خواهد از قاعده به رأس مخروط برسد و علم انبیاء رأس مخروطی است. از سوی خدا به اشیاء نظر می افکند.

ب - آنچه که در شریعت اسلامی و در دنیای معاصر می بینیم این است که قاضی پس از شکایت و دادخواهی ستمدیده، به تظلم مظلوم رسیدگی می کند و اگر او را مظلوم یافت به نفعش حکم میکند. اما حضرت بقیه الله خود به سراغ مظلوم میرود و حق پایمال شده اش را به او باز می گرداند بدون اینکه مظلوم به نزد امام علیه السلام به دادخواهی برود. چه بسیار از ستمدیدگان که قدرت احقاق حق و تظلم و دادخواهی ندارند. اینجاست که عدل امام علیه السلام به سراغ خود ستمدیده میرود چون ظهور حضرت نیز قیامتی صغری و نمونه ای از قیامت کبری است به این تعبیر زیبای قرآن دقت کنید: «و اذا الموثودة سئلت بائ ذنب قتلت» و آن زمان که دختر زنده به گور شده مورد سؤال قرار می گیرد، از او پرسیده می شود که به کدامین گناه کشته شدی؟

اینجا در دادگاه عدل گویا این دختر زنده به گور شده است که مورد ملاحظت قرار میگیرد و اوست که طرف پرسش خدای بزرگ قرار می گیرد که طفلك چه گناهی داشتی تو را کشتند؟

و این جبران انکسار و شکستگی روحی دختر زنده به گور شده است. در حکومت امام زمان (ع) ستمدیدگان این گونه مورد ملاحظت قرار میگیرند. اینجاست که معنای کلام امیر المؤمنین علیه السلام درباره آن حضرت قدری واضح تر می شود:

«و سیأتی غدً بما لا تعرفون» (نهج البلاغه ۱۳۷).

و آن چنان فردایی که به مثل آن تا کنون نشناخته باشید.

و حال اگر بر حسب قانون شریعت امام زمان (ع) نیاز به دادخواهی مظلوم و طرح دعوایش جهت احقاق حق و پاسخگویی باشد همان تالم روحی مظلوم و نوای درونیش

برای رسیدگی امام زمان کافی است که در اینجا همه کمره زمین محکمه و دادگاه آر حضرت است و پرونده ها همان نجوای درونی انسانهاست و او مقتدرانه به اذن الله بر کرسی قضاوت تکیه داده .

شگفتا عجب قاضی !!!

هم می داند ، هم می بیند ، هم می شنود . عین ناظره چشم بینای خداست . اُذُن و اَعْيُن ، گوش شنوا و پذیرای حضرت حق . مگر کلام عمر را درباره مولا امیرالمؤمنین (ع) ، وقتیکه بی ادبی را که خیانت چشمی به ناموس مردم داشت امام را در مرتبه سوم پس از دو مرتبه گوشزد کردن ادب می کند ، نشنیده اید که گفت چه کنم ؟ چشم خدا دید ، دست خدا زد .

رحمت خدا در عصر امام زمان علیه السلام

دیگر از ویژگیهای آن حضرت این است که رحمت خدا را به منصفه ظهور میرساند . رحمتی که همانند چتری بر سر همه موجودات سایه افکنده .

و رحمتی وسعت کلّ شیء (رحمت من همه چیز را در بر گرفته) رحمتی که دین نیز جلوه ای از آن است و صاحب شریعت نیز رحمة للعالمین ، رحمت برات همه جهانیان ، و او نیز خلیفه خدای رحمان و نایب مناب حضرت رسول و خود مظهري بزرگ از مظاهر رحمت حضرت حق .

بنا بر این :

الف) هم محسن (نیکو کار) و هم مسيء (بد کار) از رحمت امام برخوردار میشوند . نیکو کار با تشویق و تجلیل قولی و عملی و بد کار با سر جای خود نشانده و باز داشتن از گناه و برگرداندن حق از دیگران و اصلاح خود بدکار و تقویت بنی

روحی و جسمی و مالیش که اگر حق دیگری را بدهد و خانه غصبی مردم را فی المثل بر می گرداند، خود نیز بی خانمان نشود.

ب) زمینه را برای انجام خوبیها و ترک بدیها فراهم می کند. دیگر زمینه ای برای زنا، جنایت، دزدی، اختلاس وجود ندارد

نه زمینه های اجتماعی که جامعه مناسب با گناه باشد و نه زمینه فردی که نیاز فردیش او را به گناه بکشاند.

ج) از امر پیشین مهمتر انگیزه ها با هدایت حضرت ولی عصر متعالی می شود. انسان جایگاه خویش را در نظام عالم می یابد و می فهمد که برای بی بند و باری، طمع و حرص به مال دنیا و اشیایی از این قبیل آفریده نشده.

اگر ژان ژاک روسو فیلسوف اخلاقی، وجدان گرای فرانسوی عامل انحراف مردم را از فطرت اخلاقی و پاکی سه عنصر خانواده، اجتماع و دولت می داند و نیز میگوید دو عنصر نخستین یعنی خانواده و جامعه بدون اصلاح دولت اصلاح نمی گردد^(۱) هر سه این عوامل انحراف در حضرت ولی عصر مبدل به عامل خیر می شوند.

دولت حضرت، دولت کریمه ایست که اسلام و اهل اسلام در آن به عزت می رسند.^(۲)

(۱) که البته سخن روسو سخن تازه ای نیست، مولا امیر المؤمنین قرنهای قبل از روسو فرموده اند: و لا تصلح الرعیة الا باصلاح الولاية. و رعیت (توده مردم) بدون اصلاح والیان و حاکمان، صالح نمی گردند.

(۲) اللهم انا نرغب اليك في دولة کریمه تعزبها الاسلام و اهله (دعای افتتاح) خدایا ما به سوی تو رغبت می جویم در دولت کریمه ای که به آن اسلام و اهل اسلام را عزیز گردانی.

برادری و یگانگی در عصر مولا امام زمان (عج)

برادری در عصر آن امام مبین به حدی است که به فرموده پیشوای بزرگ عالم وجود حضرت امام جعفر صادق (ع) برادر، یعنی برادر دینی، دست در جیب برادرش می‌کند و هر مقدار پول می‌خواهد برمی‌دارد و او سؤال نمی‌کند چه مقدار برداشتی و آن برادر هر زمان که اراده کند پولش را برمی‌گرداند حتی با اینکه در نظام فقهی انسان می‌تواند در برابر پولی که به دیگری قرض می‌دهد چیزی به عنوان وثیقه بردارد ولی در آن زمان چنین چیزی حرام یا مکروه است. شیخ صدوق (ره) بنا به نقل مرحوم حرّ عاملی^(۱) در وسائل الشیعه از سالم نقل می‌کند که از اباعبدالله (ع) «مراد امام صادق (ع) است» روایت شده: من کان بالرهن اوثق منه باخیه المؤمن فانا منه بری. یعنی هر کس که به رهن (وثیقه مالی که به گرو می‌گذارند) بیشتر اعتماد کند تا به برادر مؤمنش پس همانا من از او بیزارم. امام در پاسخ فرمود: ذلک اذا ظهر الحقّ و قام قائمنا اهل البیت. آن مربوط به زمانی است که حق آشکار شود و قائم ما اهل بیت قیام کند

بازگشت مردم به فطرت خدا شناسی

در آن زمان فطرت‌ها بیدار می‌شود، غفلت‌ها از جان بشر زدوده می‌شود، انسان‌ها دگر بار، کرامت و جود خویشتن را لمس می‌کنند. نور معرفت به خدای بزرگ با پیشوایی امام زمان (عج) در وجود ما قوی می‌شود و آنگاه که معرفت آید محبت نیز خواهد بود، امام حسن مجتبی (ع): من عرف الله احبه هر که خدای را بشناسد عاشق او گردد، و چون عشق آید عبادت و پرستش و تقدیس آید اینجاست که:

(۱) وسائل ج ۱۳ ص ۱۲۳ باب ۲ از احکام رهن ج ۲

و یملاً قلوب عبادة و یسهّم عدله . و حضرت مهدی دلهای بندگان خدا را از عبادتش پر می کند و عدلش همه را فرامی گیرد .

خلوص حضرت مهدی (ع)

امام از بالاترین درجه خلوص نزد خدا برخوردار است با این بیان :

۱- جانشین جدش رسول خدا (ص) در این وجهه و مقام و پایگاه است :

قل انّی هدانی ربّی الی صراط المستقیم دیناً قیماً ملّة ابراهیم حنیفاً و ما انا من المشرکین . قل انّ صلوتی و نسکی و محیای و مماتی لله ربّ العالمین لا شریک له و بذلک امرت و انا اول المسلمین .

قل اغیر الله ابقی ربّاً و هو ربّ کلّ شیء .

بگو همانا من پروردگارم مرا به صراط مستقیم هدایت کرده دینی پا بر جا در حالی که آن کیش ابراهیم مایل به دین حق است و من از جمله مشرکین نیستم . بگو همانا نماز من و عبادتم و زندگیم و مرگم همه مال خدا پروردگار جهانیان است در حالی که هیچ شریکی برای او نیست و تنها من به این مأمورم و من اول و فرد نخست همه مسلمینم .

بگو آیا پروردگاری غیر خدا را برای خویش جویا باشم در حالی که او پروردگار هر چیز است . (سوره انعام)

انما امرت ان اعبد ربّ هذه البلدة الی حرّمها و له کلّ شیء و امرت ان اکون من المسلمین . و ان اتلوا القران . (نمل ۹۱ و ۹۲) . تنها من مأمور به پرستش

پروردگار این سرزمینی هستم که آن را حرمت داده و تنها هر چیزی مال اوست و تنها مأمورم به اینکه از جمله مسلمین باشم و این که قرآن را تلاوت کنم .

یعنی در حقیقت ، حضرت مهدی (ع) مانند جدش رسول خدا (ص) تنها در لوح وجودشان چیزی جز الف قامت دوست نیست .

۲- امام زمان در رأس بندگان مخلص (به فتح لام) خداست که نه تنها خدا او

را برای عبادت خویش خالص نموده بلکه او را نیز برای معرفت خویش

خالص گردانیده : سبحان الله عما يصفون الا عبادالله المخلصين . پاک

و منزّه است خدا از آنچه که توصیف می کنند مگر بندگانی که خدا برای

خویش خالص گردانیده به قول جدّ عزیزش حضرت سید الشهداء (علیه

السلام) : الهی انت الّذی ازلت الاغيار عن قلوب اولیائک حتی

عرفوک و وحدوک . خدایا تو همان معبودی هستی که غیرها را از دلهای

دوستان زایل ساختی تا تو را شناختند و به توحیدت رسیدند .

و او را برای یاد قیامت نیز خالص گردانید . که این سمت و سوی پیامبران الهی

است : اولی الایدی و الابصار انا اخلصناهم بخالصة ذکرى الدار و انهم

عندنا لمن المصطفین الاخيار . و یاد کن بندگان ما صاحبان نیروها و دیده ها ،

بصیرتها ما آنان را خالص گردانیدیم به خالصی و پاکی ویژه ای که آن یاد و

سرای آخرت باشد و همانا آنان نزد ما از برگزیده های خوبانند .

و حضرت ولی عصر علاوه بر آنچه که این خوبان دارند که او جامع همه

شرافتهاست که در زیارت امام زمان (ع) می خوانیم السلام علی جامع الشرف

و وارث السلف . سلام بر آقایی که جامع همه شرافتها و وارث پیشینیان است به چند امر دیگر خدای بزرگ و ویژه خویش خالص گردانیده .

فَأَنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ ارْتَضَيْتَهُ لِنَصْرِ دِينِكَ

(دعای غیبت امام زمان) .

پس خدایا همانا مهدی بنده توست که تو او را برای خود خالص گردانیده ای و برای یاری دینت او را پسندیده ای که در این جمله زیبا علاوه بر مراتب خلوصی که قبلاً ذکر شد گویا مشعر به چند معنای دیگر است :

الف : خالص برای ذکر خودش ، هم غرق در یاد خداست . چون او از جمله بندگان است که به مقام مَنْ عِنْدَهُ ^(۱) . (آنان که نزد اویند همیشه در مجلس انس او حضور دارند) نائل گشته و لذا همیشه خدای را در شب و روز تسبیح می کنند و هیچ سستی ندارد در عین اینکه به امور عادی عالم می پردازد و یا حتی در حالی که در خواب است از تسبیح خدا جدا نیست و هم خود آینه تمام نمای خداست که هر کس او را بیند گویا خدا را دیده . نشستن با او انسان را به مجالست با خدا می نشاند زیرا صفت آینه داری اش ^(۲) هیچگاه از او محو نمیشود .

۱- در سوره مبارکه انبیا می فرماید : و مَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَ لَا يَسْتَحْسِرُونَ يَسْبَحُونَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ (۱۹ و ۲۰) و آنان که نزد اویند از انجام عبادتش تکبر نمی ورزیدند و خدای را شب و روز تسبیح می کنند و در عبادت او سستی ندارند

۲- صفت آینه داری مختص به مؤمن کامل است . قال رسول الله (ص) : الْمُؤْمِنُ مِرَاةُ الْمُؤْمِنِ . مؤمن کامل آینه خدای مؤمن است و روشن است که هیچ کس از حجت خدا در ایمان کامل تر نیست .

اینجاست که انسان به یاد سخن جدش رسول خدا (ص) می افتد که فرمود:

ابشروا بالمهدی ابشروا بالمهدی ابشروا بالمهدی انه یأتی علی حین اختلاف
الناس و زلزال یملاً قلوب عباده عبادة و یسعهم عدله . مژده بادا شما را به
مهدی ، مژده بادا شما را به مهدی ، مژده بادا شما را به مهدی ، همانا او می آید در
حالت اختلاف مردم و زلزله ای ، زمین را پر از عدل و داد می کند همانگونه که پر
از ظلم و ستم شده باشد و دل‌های بندگان خدا را از پرستش پر می کند و عدلش همه
را فرامی گیرد .

ب : خالص برای یاری دینش که تنها دادگستر جهان و تنها زنده کننده دین در
همه ابعادش در همه گیتی اوست : الا انه الظاهر علی الادیان^(۱) . هان همانا اوست
که بر همه ادیان غلبه می کند .

و به همین جهت به امر دیگری نیز مخصوص گردیده و آن :

ج - غیبت بس طولانی اوست که خدای بزرگ در وراء قرون و عصرهای متوالی
او را سرزنده ، سالم ، شاداب ، زیبا ، با قدرت ، هیبت ، صولت ، عظمت نگه دارد
او را از دید دشمنانش مخفی دارد و دوستانش در نوع او را شناسند و کسی نتواند
از او بیعت بگیرد . نسبت به هیچ کس هیچ تعهدی نداشته باشد که آنگاه ظهور
نماید آزاد از هر قیدی و مسئولیتی جز مسئولیت در برابر خدا باشد که بتواند
آزادانه با قدرت و صولت تمام عمل کند . به این دو حدیث شریف از بین دهها
حدیث در این زمینه توجه کنید :

۱- کمال الدین ج ۱ ص ۳۱۶ که بحمدالله متن کامل این حدیث را در جزوه معرفه المهدی آورده ام .

حدیث نخست از کریم اهل البیت حضرت امام حسن مجتبی (ع): آیا نمی دانید که از ما امامان نیست مگر اینکه بیعتی بر گردنش نسبت به طاغوت زمانش است مگر قائمی که پشت سر او روح الله عیسی فرزند مریم نماز میگذارد پس همانا خدای عز و جل ولادتش را پوشیده می دارد و شخصش را غایب می کند تا برای هیچکس بر گردنش بیعتی نباشد هر گاه خروج (قیام) کند آن آقا نهمین فرزندان برادرم حسین (ع) فرزند سرور کنیزان است.

خدا عمرش را در غیبتش طولانی می کند «ثم یظهره بقدرته فی صورة شابّ دون اربعین سنة ذلک لیعلم انّ الله علی کلّ شیء قدير». سپس خدا او را به قدرتش در چهره جوانی که گویا چهل سال ندارد، یا در سن چهل سالگی است آشکار می کند و آن برای اینست که دانسته شود خدا بر هر چیزی تواناست.

دومین حدیث از حضرت علی بن موسی الرضا (ع): ریان بن صلت می گوید به ابو الحسن الرضا (ع)، یعنی امام هشتم، عرض کردم آیا شما صاحب الامری؟ فرمود من صاحب این امر یعنی امر امامت هستم و لکن صاحب الامری که زمین را پر از عدل و داد می کند و آن را از هر ستمی پاک می گرداند من نیستم چگونه در حالی که در من ضعف و پیری می بینی و لکن صاحب الامر کسی است که در سن پیران و در قیافه جوانان است و خدا به او آنچنان نیرویی عطا کرده که اگر دستش را به طرف بزرگترین درخت در زمین دراز کند آن را از جای بر می کند و اگر بین کوههایش بانگ زند همانا سنگهایش ریز ریز خواهد شد با او عصای موسی و انگشتر سلیمان است و او چهارمین از فرزندان من است. (کمال الدین شیخ صدوق).

(اما درس اخلاق ویژه مهدویون) (عشاق حضرت مهدی «ع»)

مهدویون نیز باید در طی مراتب اخلاص و رسیدن به وادی خلوص حضرت ولی عصر را نصب العین خویش قرار داده و بدانند که تمامی سعادت در توجه خالصانه به ساحت ربوبی خدای بزرگ، انقطاع به سوی او و ساختن خویش مطابق با حیاة اخروی است تا انشاء الله در قیامت کبری بتوانیم پشت سر امامان حرکت کنیم: یوم ندعوا کلّ اناسٍ بامامهم (اسری - ۷۱) روزی که هر دسته ای را با امامشان فرا می خوانیم. و نیز باید بدانیم تمامی سعادت در حوصله، پایداری در انجام فرایض دینی است که انشاء الله آن را در ضمن بند آتی توضیح خواهیم داد.

د- صبر و شکر حضرت مهدی (ع)

در دعای غیبت آن حضرت می خوانیم: فاتّه الهادی المهدی و القائم المهدی و الطاهر التّقی و النّقی الرّضی المرّضی الصّابر الشّکور المجتهد.

پس همانا او راهنمای هدایت شده و قائمی است که رداء هدایت را به دوش گرفته و پاک با تقوای بری از هر عیب و خالص از هر تیرگی صاحب مقام رضایت و مورد پسند، همان صبر کننده، بسیار سپاسگزار کوشاست و درباره ایوب می خوانیم: انا وجدناه صابراً نعم العبد انه اواب^(۱). همانا ما او را صابر یافتیم (ایوب) خوب بنده ای است همانا او بسیار ناله گر (به سوی ما بود).

اما به مقام صبر و شکر حضرت مهدی (ع) بنگرید. تا کنون و در این ساعت شب دوم ذی الحجه ۱۴۲۴ هـ ق از عمر مبارک آن حضرت ۱۱۶۹ سال و ۴ ماه و ۵ روز

می گذرد و اگر از این مدت ^(۱)، ۴ سال و ۶ ماه و ۲۳ روز کم کنیم مدت امامت آن حضرت تا کنون ۱۱۶۴ سال و ۹ ماه و ۱۲ روز می شود و در همه این مدت نابسامانیهای مردم دنیا خصوصاً شیعه ها را می بیند و دوست دارد که به یاری بندگان خدا بشتابد و علیه ستم، کفر و همه مظاهر شرک بر خیزد و دعا بسوی خدای بزرگ نیز دارد.

اما آنچنان در مقام رضا و خوشنودی است که به ما هم تعلیم داده عرض کنیم:

و انت العالم غیر المعلم بالوقت الذی فیه صلاح امر ولیک فی الاذن له باظهار امره، و کشف ستره، فصبرنی علی ذلک حتی لا احبّ تعجیل ما اخرت و لا تأخیر ما عجلت و لا کشف ما سترت و لا البحث عما کتمت و لا اناز عک فی تدبیرک (دعای غیبت امام زمان «ع») و تو دانای بدون معلمی، وقتی که در آن صلاح امر ولایت در اجازه به او و به آشکار کردن امرش و کنار رفتن پرده غیبتش، پس مرا نیز بر آن صابر گردان تا من نیز دوست نداشته باشم جلو انداختن چیزی که تو آن را به تأخیر انداخته ای و نه به آخر افکندن چیزی که آن را جلو انداخته ای و نخواهم آنچه را که پوشانیده ای آشکار گردانم و از چیزی که تو آن را در زیر اسباب علل و الطاف مخفی داشته جستجو کنم که بخواهم آن را بیرون آورم و در تدبیرت با تو به نزاع ننشینم و نگویم چه شده که ولی امرت ظاهر نمی شود در حالی که دنیا پر از ستم گذشته و من همه امور را به تو واگذار می کنم.

(۱) زیرا تولد حضرت مهدی (ع) صبح نیمه شعبان ۲۵۵ هـ ق و زمان به امامت رسیدن ایشان صبح هشتم ربیع الاول ۲۶۰ هـ ق است. بنا بر این سن آن حضرت در زمان انتقال خورشید امامت به آن حضرت ۴ سال و ۶ ماه و ۲۳ روز می شود.

و شیعه او نیز باید در انجام اوامر خدای بزرگ صبر و خویشتن داری از خود به خرج دهد و بر آن نیز خدای را سپاس گوید و در رسیدن به آرمانهای عالیش بسیار با حوصله و اهل اناة^(۱) باشد که این نیز سیره مولایمان امام زمان (ع) می باشد.

قال الله تعالى : خذ العفو و أمر بالعرف و اعرض عن الجاهلین

عفو را پیشه خود قرار ده و به خوبی امر کن و از سرسخن شدن با نادانان روی گردان شو .

حلم امام زمان (ع)

شگفتا که او ذوالحلم^(۲) الذی لا یصبوا است (آنچنان بردبار که هیچ سبک سری ندارد .) حلم در برخورد با جاهل و تحمل اخلاق جاهلانه او .

قال الله تعالى : و عباد الرحمن الذین یمشون علی الارض هوناً و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً .

و بندگان خدای رحمان آنانند که بر روی زمین با وقار تمام حرکت می کنند و هر گاه نادانان با آنان سرسخن شدند در جواب گویند سلام علیکم . سلام بر شما باد

(فرقان)

(۱) با تانی و حوصله . یعنی بدون اینکه کسی به تو تعلیم دهد (بازنگری)

(۲) مفاتیح الجنان ، دعای شب نیمه شعبان که به فرموده مرحوم شیخ عباس قمی (ره) حکم این زیارت آن حضرت را دارد .

اللهم انا نرغب الیک فی دولة الکریمه تعزبها الاسلام و اهله (دعای افتتاح) خدایا ما به سوی تو رغبت می جویم در دولت کریمه ای که به آن اسلام و اهل اسلام را عزیز گردانی .

اخلاق کریمانه ، بزرگوارانه آن حضرت در این عصر

اکنون که در عصر غیبتش قرار داریم باز سایه خُلق کریمه اش بر سر ما سایه افکنده^(۱) ، شگفتا که مولا امیر المؤمنین علیه السلام چگونه به وصف این حال امام زمان در این عصر می پردازد:

الا و ان من ادرکها منا یسری فیها بسراج منیر و یحذو فیها علی مثال الصالحین ، یحل فیها رباقاً و یعتق فیها رقاً و یصدع شعباً و یشعب صدعاً فی

سترة عن الناس لا یبصر القائف اثره و لو تابع نظره (نهج البلاغه خ ۱۵)

هان ، و آن کسی که از ما آن فتنه ها را درک کند در آن شب فتنه ها با چراغی نور دهنده حرکت می کند .

و بر گونه ی شایستگان گام بر می دارد تا در آن بندی و گره ای از کار بنده ای یا جمعی یا خانواده ای بگشاید و بنده ای را در آن فتنه ها آزاد کند و گروه های متفرق از اهل ایمان را وحدت بخشد و جمعیت از دشمنان را پراکنده کند (او) در پوششی از مردم است ، قیافه شناس اثری از او نمی بیند گر چه نظر جستجوگر داشته باشد اینجاست که به ما دستور داده اند در قالب زیارت و عریضه نویسی به پیشگاه حضرت غمت را بر آقا عرضه مدار . بین که هَمَّت بر طرف می شود ، غمت زائل می شود مگر اینکه ناصوابی ، نادرستی ، غیر معقولی ، زیانبخشی از آقا بخواهی نه تنها خود اینچنین است بلکه به محبتین خود نیز اینچنین پیام دارد مگر نشنیده ای که آن حضرت در توفیق مبارکش به آقای سید ابو الحسن اصفهانی مرجع بزرگ در

(۱) که او همانند خورشید پس ابر است که بندگان خدا از پرتو نورش ، وجودش ، گرمی تابش برخوردار و بهره مند می شود که این همانندیش به خورشید پس ابر در کلام امام سجاد (ع) و امام صادق و نیز خود حضرت ذکر شده است .

عصر خویش دستور دادند که : ارخص نفسک و اجعل مجلسک فی الدهلیز و اقض حوائج الناس نحن ننصرک و السلام .

نفست را مانند کالایی ارزان بر مردم عرضه بدار و نشستگاهت را در دالان منزلت قرار ده و حاجات مردم را بر آورده کن و ما تو را یاری می کنیم و درود .

و همه درودهای هستی از لاهوتی ، جبروتی ، ملکوتی ، ملکی ، دنیوی ، اخروی بر تو باد ای سید ما ای صاحب الامر .

در یک کلمه همانگونه که قرآن اخلاق کریمه پیغمبر اکرم (ص) است و هر چه که در سیرت و روش انبیاء ، اولیاء ، اصفیاء و صدیقه کبری و امامان معصوم (ع) می بینی همه در وجود مقدس آن حضرت ، صلوات الله علیه ، جمع است .

وجود آن حضرت جلوه ای از قیامت کبری است . وجودش یوم الجمعی^(۱) است که همه کرامت ها ، فضیلت ها را در خود جمع نموده . او ذو الحلم^(۲) الذی لا یصبوا . صاحب حلم و بردباری که در او سبکسری نیست . مظهر دعای مکارم الاخلاق امام سجاد (ع) است . کشتی نجات و رهایی بشر است . شمشیری است که تنها غده های سرطان^(۳) اجتماع را برای آسودگی بندگان خدا بر می دارد .

تندیس فریاد رسی

و مولایمان حضرت مهدی (ع) تندیس فریاد رسی است گویا خدا او را خلق کرده تا به فریاد بندگانش برسد . به همین جهت به امام زمان (ع) هم الغوث گفته میشود و نیز غوث الملهوفین ، یعنی فریادرس یا فریاد رس غمدیدگان ، مصیبت دیدگان

(۱) یوم الجمع (روز جمع) یکی از اسماء قیامت کبری است (ر.ک قرآن سوره تغابن)

(۲) مفاتیح الجنان ، دعای شب نیمه شعبان

(۳) و به فرموده امام رضا (ع) تنها آن کسی کشته می شود که تا هفت بطش ، نسلش هیچ امید ایمان نرود .

زیارت آل یس که از زیارات ویژه آن حضرت است می خوانیم :

سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ وَالْغَوْثُ وَالرَّحْمَةُ
إِسْعَى وَعَدَا غَيْرَ مَكْذُوبٍ .

لام بر شما ای آقای که پرچم بر افراشته هدایت و قلبتان منبع جوشان علم
وردگار و یکپارچه فریادرسی و رحمت بیکران خداست . در حالی که وعده غیر
روغین خدائید .

و اما اینکه گوئیم امام زمان (ع) غوث الملهوفین است این از انشاءات حضرت
مید المرسلین محمد مصطفی صلی الله علیه و اله و سلم در مبشره نومیّه ای است که
بوالوفاء شیرازی از حضرت رسول (ص) دریافت نموده که آن جناب آنگاه که
بیان می کند به هر یک از معصومین برای چه امری متوسل شود فرمودند : اما صاحب
الزّمان ، پس هر گاه رسید کارد به اینجا و اشاره فرمود به دست خود بسوی حلقش ،
پس از او اعانت بخواه ، پس بدرستی که او تو را اعانت خواهد نمود ، پس بگو : یا
صاحب الزّمان اغثنی یا صاحب الزّمان ادرکنی .

(ر.ک ، نجم الثاقب ص ۷۲۹ تا ۷۳۱)

و نیز باید بدانیم که به آن امام برحق غوث الفقرا^(۱) (فریادرس تهیدستان) هم
گفته میشود چون که او بخصوص از فقیران دلجوئی و دست نوازی معنوی و مالی
بعمل می آورد .

مهدویت اخلاقی

مهدویت اخلاقی یعنی بنیانگذاری مکتبی اخلاقی بر اساس اعتقاد به وجود حضرت مهدی (ع) و امامت حقه آن حضرت که این امر مبتنی بر این اصول و پایه های اعتقادی و قرآنی و حدیثی است .

۱- زمین ، مهد یعنی گهواره تربیت انسان است .

به این آیات بنگرید :

الف- الم نجعل الارض مهاداً (سوره عمّ یتسائلون) .

آیا زمین را گهواره ای برای زندگی انسان یا محل آرامش او قرار ندادیم .

ب- الذی جعل لکم الارض مهداً .

آن خدایی که زمین را برای شما گهواره قرار داد .

تشبیه زمین به گهواره بیانگر این است ، و العلم عند الله ، که زمین گهواره تربیت انسان است و او در این مرحله از مراحل حیات ، دوران کودکی را طی می کند و آنچه که لازمه ی حیات کودکانه ی ماست خداوند در این زمین برایمان مهیا و فراهم نموده است :

و الارض فرشناها فنعم الماهدون (الذاریات ۴۸)

و ما زمین را گسترانیدیم پس خوب گهواره جنبانی هستیم .

و بحمدالله دانشمندان درباره ی این سیاره کوچک ما که چگونه این زمین زیستگاه انسان ، جانوران و گیاهان گشته کشفیات^(۱) سودمندی دارند که باید طالبین به کتب

(۱) نمونه ای از این کشفیات : الف) زمین دور محورش با سرعت ۱۶۰۰ کیلومتر در ساعت (سرعت حساب شده در استوا) میچرخد . فرض کنیم که این گردش ۱۰ مرتبه کند تر گردد نتیجه این میشود که :

تحریر یافته در این زمینه مراجعه کنند اما آنچه که به ما مربوط می شود بحث از حیات معنوی انسان بر روی این سیاره است که انشاء الله به خواست خدا در طی بندهای آتی به توضیح آن خواهیم پرداخت .

انسان موجودی به خود وا گذاشته شده و رها شده نیست اینگونه نیست که بنا باشد چند روزی بر روی کره خاکی زیست کند و سپس بمیرد و بدنش جذب طبیعت شود و دیگر به کلی محو گردد و بلکه خدا او را برای مقصدی آفریده و او را در این دار دنیا تنها نگذاشته ، که اگر کسی چنین فکر کند خیال و فکرش باطل خواهد بود

قال الله تعالی : ایحسب الانسان ان یترک سدی

آیا انسان خیال می کند موجودی به خود وا گذاشته شده است ؟



چنین روزهای ۱۰ مرتبه بلندتر حرارت خورشید همه زندگان را خواهد سوزانید و آنچه زنده بماند بسیار محتمل است که در شبهای ۱۰ برابر بلندتر یخ بزند . شرط دیگر موجودیت ما : خورشید منبع زندگی دارای حرارت سطحی ۵۵۰۰ درجه است . زمین درست به فاصله ای از این آتش ابدی قرار گرفته که به ما اجازه می دهد به اندازه لازم گرم شویم . اگر خورشید فقط نصف پرتوش را نصیب ما میکرد یخ می زدیم و اگر یک برابر و نیم آنرا دریافت می نمودیم برشته می شدیم .

فصول ما معلول میل ۳۲ درجه ای محور زمین است . اگر این میل وجود نداشت تبخیر دریاها فقط در دو جهت شمال و جنوب رخ می داد و قاره یخ به تدریج در قطبین برویهم انباشته می شدند .

ماه حرکت دریاها را کنترل می کند فرض کنید که ماه تا هشتاد هزار کیلومتری زمین نزدیک شود . آن وقت جذر و مدهای عظیمی در دو دفعه در روز قاره هایی را خواهند پوشاند حال فرض کنید که ضخامت قشر خارجی زمین سه متر افزایش یابد . اکسیژن که برای زندگی هر حیوانی لازم است از بین خواهد رفت یا بالعکس . فرض کنید که اقیانوسها یک یا دو متر گود تر باشند زندگی نباتی به علت فقدان کربن و اکسیژن نابود خواهد شد .

(برگرفته از خلاصه ترجمه مقاله پروفیسور آکرسی مور یسون ، رییس پیشین آکادمی علوم نیویورک)

خیر ، پس :

۱- او نزد خدا هادی و راهنما دارد و هادی انسان همان خلیفه ی خدا در هر عصریست ، چون خدا در قرآن فرموده است : **اَنْتِیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَةٌ** .

من در زمین برای شما خلیفه ای قرار می دهم که این آیه ظاهر در این امر است که مقام خلافت و جانشینی تا روز قیامت ادامه دارد

۲- و این خلیفه در عصر ما حضرت مهدی است ، که در جای خود وجود و غیبت آن حضرت با ادله ی نقلی و عقلی ثابت گشته است و البته شیعه دین باور وجود حضرت را از خورشیدبرای خودش روشن تر و واضح تر می بیند ، پیامبر اکرم در اخبار مستفیضه ^(۱) ، همان گونه که قبلاً به آن اشاره شد از این عنوان برای ولی عصر امام زمان استفاده کرده اند . نمونه :

یَخْرُجُ الْمَهْدِی وَ عَلَی رَأْسِهِ غِمَامَةٌ مَلَكُ یُنَادِی فِیْهَا هَذَا الْمَهْدِی خَلِیْفَةُ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ (ینابیع الموده حاکم قندوزی) .

مهدی خروج می کند در حالیکه بر سرش ابری سایه افکننده ، فرشته ای در آن ابر ندا می کند این مهدی (ع) خلیفه خداست پس از او پیروی کنید .

۳- این مقام خلافت مقامی تشریفاتی نیست که صرفاً عنوان خلیفه اللهی تاج زینت بخش آن حضرت باشد . بلکه یک نوع سلطنت روحی و اقتدار باطنی برای ایشان است که خدا به خلیفه اش عطا کرده : **وَاللَّهُ یُؤْتِی مَلِکَهُ مِنْ یَشَاءُ** . و خدا به هر که بخواهد سلطنتش را عطا می کند .

۴- و از جمله ی این سلطنت ها ، قدرت و سیطره ی حضرت مهدی بر روان ماست .

۱- خبری که روایت آن در هر طبقه از سه نفر یا بیشتر تشکیل شده باشد و به حد تواتر نرسیده باشد .

خدای بزرگ گنجایش وجودی ما را در اختیار آن حضرت قرار داده ، می داند از چه آغاز شده ایم ، الآن در چه وضعیتی هستیم و به چه نیاز داریم و به کجا باید حرکت کنیم و توشه و زاد ما در این سفر چه باید باشد .

و جعلناهم ائمةً یهدون بامرنا و اوحینا الیهم فعل الخیرات و اقام الصلوة و ایتاء الزکوة و کانوا لنا عابدین .

و ما آنان را امامان قرار دادیم که به امر ما هدایت می کنند و به آنان وحی کردیم فعل همه خوبیها را و بر پاداری نماز و اداء زکات را و پیوسته تنها ما را عابد بودند . در توضیح این آیه شریفه گوییم ما دو نوع هدایت داریم :

الف) هدایت به معنای ارائه طریق : یعنی نشان دادن راه که در این امر همه انبیاء الهی شریکند بلکه عالمان دینی نیز به حکم « العلماء و رثة الانبیاء » عالمان وارثان انبیاء هستند این نوع نقش از هدایت را با سخنرانها ، نوشته ها و ... به عهده دارند .

ب) هدایت به معنای « ایصال الی المطلوب » : رسانیدن به مقصود و مطلوب که دست سالک را بگیرد و او را به آبشخور حق وارد کنند که این امر اختصاص به مقام امامت دارد و دلیل بر آن علاوه بر آیه فوق الذکر به امامت رسیدن حضرت ابراهیم به امامت بعد از طی مراحل نبوت ، رسالت ، خلقت (خلیل و دوست خدا شدن است) و معنا ندارد که خدا امری که مشرک بین همه انبیاست به امامان از انبیاء و نیز به مقام امامت اختصاص دهد و بفرماید :

« وَ جَعَلْنَاهُمْ ائمةً یهدون بامرنا یوقنون » ما آنان را امامان قرار دادیم که به امر ما هدایت می کنند . و یا « جعلنا منهم ائمة یهدون بامرنا لما صبروا و کانوا

بایاتنا یوقنون» (سجده - ۲۴) و ما از بنی اسرائیل امامان قرار دادیم که به امر ما هدایت می کردند چون صبر نمودند و به آیات ما یقین داشتند.

نتیجه: کار امام هدایت به معنای رسانیدن به مطلوب است.

۵- و چون این هدایت باطنی است و از درون ما صورت می گیرد ما آن را نوعاً با حواس پنجگانه نمی توانیم احساس کنیم بلکه اگر باطن خویش را صفا دهیم، درون را جلا دهیم آن را احساس می کنیم.

۶- مثل ما در این امر مثل انسانی است که در فصل بهار در برابر انواع گلهای بهاری و هوای ملایم و نسیم دلنواز آن قرار گرفته او تنها کاری که باید بکند خود را در درون اتاق حبس نکند بلکه در فضای آزاد بهاری قرار گیرد: **الا و ان لربکم فی ایام دهرکم نفحات الا فتعرضوا لها**. آگاه باشید که برای پروردگارتان در ایام روزهای زندگیتان نسیم های دلنوازیست، همان که خود را در برابر این نسیمها قرار دهید.

حال اگر انسان در این حالت خود را در اتاق حبس کند و خود را محروم از باد و عطر گلهای بهاری قرار دهد.

مقصر کیست: **و تلک الامثال نضربها للناس و ما یعقلها الا العالمون**. و آن مثلها را ما برای مردم می زنیم و این مثلها را جز دانایان کسی درک نمی کند. روشن است که مقصود خود ما هستیم ما نباید روان خویش را در قفس هوا و هوس ها، گناهان، عیوب اخلاق حبس کنیم و یا بی توجه به امام زمانمان باشیم بلکه باید خود را در وزشگاه نسیم رحمت خدا که در بستان هدایت امام زمان می وزد قرار دهیم.

الا و ان لربکم فی ایام دهرکم نفحات الافتعرضوا لها. آگاه باشید که برای

پروردگار شما در ایام زندگیتان نسیمهای رحمتی است. هان خود را در برابر این وزشها قرار دهید.

خوشا صبح و خوشا باد و خوشا دوس خوشا نوش و خوشا دوش و خوشا بوس
خوشا گام و خوشا جام و خوشا دوش خوشا مهدی خوشا نازش خوشا خالش
خوشا یادش خوشا فکرش خوشا عصرش خوشا قلبش خوشا مهرش خوشا ...

۷- هدف از این تربیت روحی تنها تهذیب روحی انسان و بهینه سازی اجتماع نیست بلکه علاوه بر آن باید روح انسان به حدی تربیت گردد که بتواند در عالم برزخ و قیامت به رشد خویش ادامه دهد.

۸- و چون استعدادهای تربیتی انسان در همین دار دنیا نیز فراوان و دارای مراتب مشکله ای همچون مراتب نور است پس به هر مقدار انسان از تربیت برخوردار گردد از فوز و سعادت برخوردار شده. پس چه بهتر جدیت انسان در این زمینه بیشتر باشد فقط در زاویه ای از این باغ کنار جویباری کوچک ننشیند بلکه به تماشای باغ و به استنشاق هوای هر قسمت پردازد:

هر دم از این باغ گلی می رسد تازه تر از تازه تری می رسد

۹- و تنها این استعداد های تربیتی در سایه عبودیت و بندگی خدای بزرگ شکوفا می شود، امام صادق علیه السلام: العبودیة جوهرة کنها الربوبیة فما فقد فی العبودیة وجد فی الربوبیة. بندگی خدا، پرستش ذات او جوهره و گوهریست که کنه و باطنش رشد استعداد های انسان است پس آنچه که انسان در راه بندگی خدا از دست دهد در ربوبیت و بالندگی خواهد یافت.

و آن قول خدای بزرگ است: سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ. ما به زودی نشانه هایمان را در افقها (طبیعت) و در خودشان

نشان خواهیم داد تا برای آنان آشکار شود که او حق است . (پایان نقل سخن از امام صادق)

اثبات این مطلب به روش دیگر

برای اینکه باز در این مسئله قدری دقیقتر شویم به درک موقعیت امام زمان (ع) در آیه مبارکه ۳۵ از سوره نور، نزدیک می شویم .

قال الله تعالى : الله نور السموات و الارض مثل نوره كمشكاة فيها مصباح ، المصباح في زجاجة ، الزجاج كانه كوكب دري يوقد من شجرة مباركة ، زيتونة لا شرقية و لا غربية يكاد زيتها يضي و لو لم تمسه نار يهدي الله لنوره من يشاء و يضرب الله الامثال للناس و الله بكل شئ عليم .

خدا نور آسمانها و زمین است مثل نورش همانند فانوس و یا تاقچه ایست که در آن چراغی است ، چراغ در درون شیشه ایست ، شیشه گویا آن ستاره ای درخشان است که از درخت مبارک زیتون نور می گیرد و یا شعله ور می شود که آن درخت نه در جانب شرقی است و نه در جانب غربی ، بلکه بر فراز قله کوهی است که از زمان طلوع خورشید تا غروبش همیشه بر آن نور افشانی می کند و نزدیک است زیتونش خود به خود نور و گرمی دهد ، گرچه به آن آتشی هم نرسد خدا برای نورش هر که را خواهد هدایت کند و خدا خود مثلها را برای مردم می زند و خدا به هر چیزی داناست .

به این آیه مبارکه از زوایای مختلف می توان نگریست :

از زاویه کلام امیر المؤمنین علیه السلام که گویا آن را محدث بحرانی در

غایة المرامش نقل کرده که فرمود :

مشکوة : مُحَمَّد

المصباح : انا

الزجاجة : الحسن و الحسين

كانها كوكب درى : السجّاد

يوقد من شجرة مباركة : مُحَمَّد بن على

زيتونة : جعفر بن محمد

لا شرقية : موسى بن جعفر

ولا غربية : على بن موسى الرضا

يكاد زيتها يضىء : مُحَمَّد بن على

ولو لم تمسه نارٌ : على بن مُحَمَّد

نورٌ على نورٌ : الحسن بن على

يهدى الله لنوره من يشاء : القائم المهدي (عج)

* * *

مشکوة (فانوس وجود) : محمد صلى الله عليه و آله و سلم

مصباح (چراغ) : منم (حضرت على عليه السلام)

زجاجة : حسن و حسين است (که در آيه دو زجاجة داريم : المصباح فى زجاجة ، الزجاجة)

كانها كوكب درى (گویا آن ستاره ای درخشان است) : سجّاد (ع)

يوقد من شجرة مباركة (از درخت مبارک زيتون نور می گیرد ، شعله ور می شود) محمد بن على

زیتونه : جعفر بن محمد

لا شرقیه (نه شرقی است) : موسی بن جعفر

لا غربیه (نه غربی است) : علی بن موسی

یکاد زیتها یضی (نزدیک است که زیتونش نور افشانی کند) : محمد بن علی امام نهم

و لو لم تمسه نار (گرچه آتشی به آن نرسد) : علی بن محمد

نور علی نور (نوری بر فراز نوری دیگر) : حسن بن علی

یهدی الله لنوره من یشاء (خدا برای نورش هر که را بخواهد هدایت میکند) : قائم مهدی (عج)



که گویا مراد امیر المؤمنین از حضرت قائم در آیه همان نور اضافه شده به « ه »

(ضمیر) در همین بند آخر ، یعنی یهدی الله لنوره من یشاء ، است که معنایش

چنین می شود :

خدا برای نورش یعنی حضرت قائم (ع) هر که را بخواهد هدایت می کند .

امام زمان (ع) نور خداست که در پرتو آن بندگان خدا هدایت می شوند . پس بر

ما واجب است که خود را در پرتو هدایت نور هدایت امام قرار دهیم . چگونه ؟

پیوسته با حضور قلب زیارت ال یس آن حضرت را بخوانیم و عقاید خویش را به آن

حضرت در قالب زیارت عرضه بداریم و خصوصاً وقتی که به این دو جمله

می‌رسیم : یا مولای شقی من خالفکم و سعد من اطاعکم (مولای من بدبخت

کسی است که با شما مخالفت می کند و کامیاب آن کسی است که پیرو و فرمانبردار

است) .

فالحق ما رضیتموه و الباطل ما اسخطتموه (پس حق آن چیزی است که شما به آن خوشنود هستید و باطل هر آن چه که شما نسبت به آن در خشمید).
 با زبان تمنی و خواهش از او بخواهیم که ما را به آنچه که دوست می دارد هدایت کند و از راه قلب عرضه بداریم که ما نادان محض ، بیسواد به تمام معنی هستیم ، منتظر تعلیم و تربیت شما ایم .

و در دیگر نگاه به آیه نور

انسان مؤمن وقتی که در تهذیب و تربیت رشد کند و حجابهای روحیش زدوده شود آن زیتون و روغن وجودیش آن چنان تلالو و درخشش پیدا می کند که خود به خود به نور افشانی کردن نزدیک می شود و فانوس تنش حجاب برای مصباح روحش نمی شود و دیگر نیازی نیست که بگوید :

حجاب چهره جان می شود غبار تنم خوشا دمی که از این چهره پرده بر فکنم

بلکه از درونش بیرون دیده می شود و از برونش درون و این مصباح وجودی مؤمن از درخت مبارک زیتون یعنی شجره طیبه پیغمبر اکرم و خاندانش و خصوصاً حضرت ولی عصر (عج) نور می گیرد که آنان همیشه در ظل تجلیات حضرت حق خدای بزرگ قرار دارند .

پس آنچه که در اینجا وظیفه ما می شود در چهار امر خلاصه می شود :

۱- کوشش در تطهیر قلب و جان

۲- راز و نیاز با خدای بزرگ

۳- توجه به شجره مبارک که اهل بیت

۴- انجام هر امر خیری که سبب اقبال خدا به بنده اش می شود .

وظیفه اول: کوشش در تطهیر قلب

الهی لم تکن لی حولاً فانتقل به عن معصیتک الّا فی وقت ایقتظنی
لمحبتک و لتطهیر قلبی من اوساخ الغفلة عنک . (مفاتیح الجنان ، دعای
شعبانیه)

خدای من ، من توان منتقل شدن از نافرمانی تو را نداشتم مگر در وقتی که مرا
برای محبت بیدار کردی . و چون قلب مرا از چرکهای غفلت از خودت پاک
نمودی .

در این قسمت از دعای شعبانیه عامل اصلی را انتقال از گناه دو چیز دانسته شده :
۱- بیداری دل انسان برای محبت خدا ، آن گاه که دل برای محبت خدا بیدار
گردد .

این سخن شریف می تواند در اشاره به بیداری در دل شب برای نماز و مناجات با
خدا باشد همانند معشوق که در تاریکی شب به عاشق خویش سر می زند و او را
بیدار می کند و او را از محبت خویش کامروا می کند . سالک باید به جایی برسد
که خدای بزرگ او را فرمان بیدار باش دهد و او نیز با تمام وجود بر خیزد و خود
را کامروا در دامن معشوقش حضرت ذوالجلال ببیند که این نوع بیداری در وقت
سحر عاملی بزرگ در باز داشتن بنده از گناه در طول شبانه روز می باشد که
خدای بزرگ این فرمان بیدار باش در طول شب را در قرآن صادر کرده است : و
من اللیل فتهجد به نافلة لک عسی ان یبعثک ربک مقاماً محموداً . و
قسمتی از شب را به آن بیدار باش که آن زیادت برای تو از فریضه و نماز واجب
توست . (اسری - ۷۹)

امید است که پروردگارت تو را به مقامی محمود (مقامی که ستایش شود) رساند .
 و چه زیباست که این فرمان تشریحی با عنایت ویژه پروردگار ذوالجلال در شب
 همراه گردد که : بنده ام برای نماز شب بر پا خیز که در دنبال همین دعای شعبانیه
 می خوانیم : الهی اجعلنی ممن نادیته فاجابک و لا خطه فصعق بجلالک
 فنادیته سراً و عمل لک جهراً . خدایا مرا قرار ده از جمله بندگانت که آنها را ندا
 کرده ای پس پاسخت گفتند و در آنان نظر نمودی پس به جهت تجلی (جلوه گر
 شدن ، پرتو افکندن) مقام جلال از خود بیهوش گردیدند و مولی المتقین امیر
 المؤمنین در نهج البلاغه در وصف این دسته از بندگان می فرماید : و ما برح لله
 عزت الآؤه فی البرهه ، و فی ازمان الفترات عباداً ناجاهم فی فکرهم ، و
 کلمهم فی ذات عقولهم ، فاستصبحوا بنور یقظة فی الابصار و الاسماع و
 الافئدة .

و همواره برای خدا ، که نعمت هایش بی بدیل باد ، در هر دوره زمانی بعد از هر
 دوره زمانی و در زمانهای فاصله های بین نبوت^(۱) ها بندگانی است که خدا با آنان
 در فکرشان به نجوی می پردازد .

(با آنان رازی می گوید) و با آنان در ذات عقلا ، خردهایشان سخن گفته ، پس
 خود را به نور بیداری در دیده ها و گوش ها و دلها روشن نموده اند « یعنی دیده ها

(۱) و یا احتمالاً فترتی که در ظاهر در اثر دسترسی نداشتن به امام علیه السلام حاصل می شود که آن
 ناشی از مقهور گذاشتن و یا محبوس بودنش و یا غیبتش واقع می شود که این امر را به ترتیب در امام
 سجاد (ع) و حضرت موسی بن جعفر و یا حضرت هادی و عسکری علیهما السلام و در آخر در امام
 زمان (عج) می بینیم .

و گوشها و دلها روشن و هیچ یک از این سه چیز گرفتار خواب و چرت ، غفلت و بی خبری نیست . «

وقتی که از چنین نعمت بیداری بر خوردارند و هیچ نوع غفلتی در وجودشان نیست و نیستند مانند مردمانی که در حقشان خدای بزرگ می فرماید :

و کائین من انه فی السموات و الارض یمرون علیها و هم عنها معرضون (یوسف - ۱۰۵)

و چقدر از نشانه ها در آسمانها و زمین است که بر آن عبور می کنند در حالی که از آن روی می گردانند .

پس این جماعت تفاوت اساسی با مردم دارند نه تنها خود بینا هستند بلکه سعی می کنند دیگران را بینا کنند به دنباله سخن امام امیر المؤمنین توجه کنید :

یدگرون بایام الله و یحوقون مقامه .

مردم را به روزهای خدا تذکر می دهند و به اینها هشدار می دهند که مبادا در فساد و تباهی غوطه ور شوند که همانند قوم عاد و ثمود و... گرفتار عذاب خدا شوند و آنان را از مقام خدا بیم می دهند .

یعنی نه تنها خود به مقام : و اما من خاف مقام ربّه و نهی النفس عن الهوی
فإن الجنّة هی المأوی .

یعنی هر کس از مقام پروردگار بدنش را به لرزه اندازد و ترس از عتاب ، سرزنش او وجودش را احاطه کند و نفسش را از خواهشها باز دارد پس بهشت پناهگاه اوست .

بلکه سعی می کنند دیگران را نیز به این مقام و مرتبه برسانند . در نتیجه همانگونه که از سخن مولا در قسمت بعدی ظاهر می شود پرچم و نشانه هدایت در حد خودشان می شوند و چراغ هدایت در تاریکی ها و راهنمای در برابر شبهات . امور شبهه انگیز را برای مردم توضیح می دهند و یا چون خود چراغ هدایت اند آنان که می خواهند گرفتار شبهات نشوند به این اعمال این جماعت نظر می کنند و بدینوسیله راه را از چاره تشخیص می دهند . حال برای اینکه از سخن نورانی امام همگی بهره گیریم مجدداً به متن خود سخن مولا بر می گردیم و از این توضیح کوتاه بی ادبانه از محضرش پوزش می طلبیم : بمنزلة الادلة فی الفلوات . من اخذ القصد حمدوا الیه طریقه . و بشروه بالنجاة و من اخذ یمیناً و شمالاً ذموا الیه الطریق و حذروه من الهلکة و كانوا كذلك مصابیح تلک الظلمات ، و ادلة تلک الشبهات . اینان به منزله نشانه ها (ستون ها ، علامتهایی که برای هدایت مسافران نصب می کنند) در دشت ها هستند . هر که راه میانه را در پیش گرفت به او درستی راهش را همراه با ستایش گوشزد می کنند و او را مژده به نجات می دهند و هر که راه راست و چپ را انتخاب کند راه باطلش را برایش سرزنش می کنند و به او میگویند مبادا که هلاک شوی با این راهی که می روی هلاک می شوی .

و اینان اینچنین چراغ آن تاریکیها و راهنمای آن شبهه^(۱) ها گشته اند .

اینان اهل ذکرند .

(۱) شبهه یعنی چیزی که حلیت و حرمت آن یا درستی و نادرستی آن برای انسان روشن نیست و یا

و ان للذکر لاهلاً اخذوه من الدنیا بدلاً ، فلم تشغلهم تجارةٌ و لا بیعٌ عنه ،
یقطعون به ایام الحیاة .

و همانا برای ذکر اهلست که آنان را از یاد خدا باز نمی دارد که با این ذکر
روزهای زندگیشان را طی می کنند .

از این سخن امام (ع) به خوبی ظاهر می شود که آنچه باعث بیداری این جماعت
گشته ذکر خداست . همانگونه که در صدر این خطبه فرمود : ان الله سبحانه و

تعالی جعل الذکر جلاء للقلوب ، تسمع^(۱) به بعد الوقرة و تبصر به بعد

العشوة و تنقاد به بعد المعاندة . همانا خدا منزّه و برتر ذکر را وسیله زدوده شدن

زنگار از دلها قرار داده ، دلها بعد از کری و یا سنگینی گوش شنوا می گردد و بعد از
سرکشی ، لجاجت رام و تسلیم می شوند .

نتیجه بیدار دلی

آنگاه که پرده غفلت زدوده شد و انقطاع به سوی مولا حاصل شد و انسان در حدّ

خودش چراغ هدایت گردید ، فهمش از آیات قرآن نیز دگرگون می شود بلکه به

وصول این درجه از کمال است که باعث می شود بعض حقایق نهفته در بعض آیات

یا سوره ها را درک کند .

قال الله تعالی : ان فی ذلک لذکری لمن کان له قلبٌ او القی السّمع و هو

شہیدٌ . (۳۷- ق) همانا در آن به یقین پندی است برای کسی که مرا و را دلی است

یا گوش خویش را به سروش های غیبی می افکند در حالی که او گواه است .

(۱) ضمیر ((هی)) در تسمع و نیز در تُبصِرُ و تنقاد همگی به قلوب بر می گردد و ما نیز آن را در ترجمه

این دو جماعتند که حقایق سوره (ق) و یا چرایی عقوبت پیشینیان سرکش را می فهمند .

۲- زدودن اوساخ غفلت

بدان ایأک الله تعالی تا بنده و شما چرکهای غفلت را از جان و قلب خویش نشویم به جایی نمی رسیم آن هم شگفتا غفلت از خدای بزرگ ، بنده در ملک خدا در نعمت های او در سرادقات تجلیات جمال و جلال او در عین حال غافل از او و اکرام و انعامش ، غافل از او و شکر نعمتهایش ، غافل از او و دستورات او ، وه چه جرمی چه جنایتی چه گناه بزرگی : و امانت قلبی عظیم جنایتی فوالهفاه من سوء فعلی و اسائتی . (از مناجاتهای خمس عشر امام سجاد) و جنایت بزرگم قلب مرا میرانده ، پس دریغا ، افسوس از بد فعلی و بد کاریم پس چه کنیم ؟ به سوی او انا به کنیم ناله و گریه کنیم ، رذایل اخلاقی را از وجود خویش پاک کنیم ، حسود نباشیم ، متکبر^(۱) و مغرور نباشیم ، طمّاع^(۲) ، حریص ، بخیل نباشیم با چشم حقارت به دیگران نظر نیفکنیم . خود را موجودی برتر از دیگران ندانیم ، چشم ناپاک^(۳) نباشیم . چشم طمع به مال مردم نداشته باشیم . مناعت طبع و قناعت را مبنای کار خویش قرار دهیم و به همین دستور العمل های دعای مکارم الاخلاق امام سجاد (ع) عمل کنیم . آنگاه که تقوی در ما تثبیت گردد خدای بزرگ به ما فرقان هم عطا می کند که چرکهای باقیمانده را نیز چگونه بشویم :

(۱) زیرا خدا متکبران را دوست ندارد ان الله لا یحب من کان مختالاً فخوراً .

(۲) چشم طمع به مال دیگران داشتن از صفات بسیار مذموم مذکور در قرآن است : و لا تمنوا ما فضل الله به بعضکم علی بعض . آرزو نکنید آنچه را که خدا به آن بعضی را بر بعضی دیگر برتری داده

(۳) النظر سهم من سهام ابلیس . نگاه تیری از تیرهای شیطان است .

يا ايها الذين امنوا ان تتقوا الله يجعل لكم فرقاناً و يكفر عنكم
سيئاتكم (انفال - ۲۰۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید اگر تقوای الهی را رعایت کنید خدا برای شما فرقانی، نیروی تشخیص حق از باطل را به شما عطا می کند و بدهای شما را برای شما میپوشاند و شما را می آمرزد و خدای صاحب فضل (بخشش زیاد) بزرگ است .

وظیفه دوم: راز و نیاز با خدای بزرگ

الهی وهب لی قلباً یدنیه منک شوقه ولساناً یرفع الیک ذکره و نظر یقرّ بنسی
منک حقّه .

خدای من ، ببخش مرا قلبی که شوقش او را به تو نزدیک می کند و زبان که ذکرش سبب بالا رفتنش ، ارج پیدا کردن نزد تو می شود و نگاهی که حق آن نگاه مرا به تو نزدیک می کند .

انسان باید حال رسول اکرم و عترت طاهره اش را در مناجات با خدا اسوه قرار دهد که آنقدر پیامبر ما بر روی دو پا در برابر حضرت ربّ العزّة ایستاد (حتی ورمست قدمه) : دو قدم آقامتورم شد ، (آماس کرد) . و آن صدیقه طاهره ، فاطمه بتول و

همسرش سید اولیاء و قدوه اصفیاء در حقشان ، معبود بی همتای فرمود : تتجافی جنوبهم عن المضاجع یدعون ربّهم خوفاً و طمعاً و ممّا رزقناهم ینفقون فلاتعلم نفس ما اخفی لهم من قرّة اعین (۱۵ و ۱۶ - الم سجده) . پیوسته پهلوی

آنها از بسترها فاصله می گیرد، پروردگارشان را با ترس و طمع می خوانند و از بعض آنچه که ما آنها را روزی کرده ایم پیوسته انفاق می کنند.

پس هیچ نفسی نمی داند که چیزهایی برایش مخفی شده از آنچه که چشم نورانیت می دهد و یا اشک شوقش جاری می شود.

و فرزندان آنان نیز مظاهر نور تربیت شوندگان در ملاء اعلائی مجتباهای او، شاهدان بر خلقش، سروران همه ساجدان، شکافندگان اسرار توحید و معرفت و راهگشایان به سوی خدا، کشانندگان بندگان به نقطه اصلی معرفت الله و فرو خورندگان خشم در راه بندگی او، راضیان به قضاءش و وارثان بهشتش، چون مظهر و مصداق اتم این آیه مبارکه: **و تلک الجنة التي نورث من عبادنا من کان تقياً**. و آن بهشتی است که به ارث می دهیم از بندگانمان، آن کس که «تقی» باشد، هستند. از هر رجسی حتی رجس غفلت از او، و صاحبان لشکر غیبی، و جنود رحمانی، و در آسمان وجودشان شیطان به هیچ وجه راه ندارد و «مهدی من عند الله تبارک و تعالی» هستند و شگفتا که ما خود را شیفته مولایمان حضرت مهدی صاحب الزمان (عج) می دانیم و در عین حال حاضر نیستیم ولو مقداری اندک از شب را به مناجات با خدای عالمیان اختصاص دهیم در حالی که حضرت موسی بن جعفر (ع) در سخنی در وصف قیام و شب زنده داری امام عصر (عج) می فرمایند: **بأبی من یرعی النجوم ساجداً و قائماً**. پدرم فدای آقای باد که شبها همنوای با ستارگان است. گاه در سجده و گاه در حال قیام. یا پدرم فدای آقای باد که شبها در حال رسیدگی به امر ستارگان است پیوسته در آن حال یا ساجد است و یا قائم.

ای عزیز، همانگونه که خدای بزرگ در فرمان شب زنده داری به رسولش صلی الله علیه و اله و سلم در سوره مزمل این پیام را به گروهی از مؤمنان با آقا تعمیم میدهد آنجا که می فرماید: **وَ طَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ**. و گروهی از آنان که به تو ایمان آورده اند.

ما نیز اگر اسوه مان و مقتدایمان حضرت بقیه الله روحی له الفداست باید در سیره شب زنده داری به امام زمانمان (عج) و اباء و اجداد آن حضرت اقتدا کنیم.

این مقام اخذ شده از (امنوا معه) بس مقامی ارجمند است به این دو مجموعه از

آیات زیبا بنگر: **لكن الرسول^(۱) و الذين امنوا معه جاهدوا باموالهم و انفسهم**

و اولئک لهم الخیرات و اولئک هم المفلحون (۸۱- توبه)

لکن رسول (آن فرستاده که در رسالتش تمام رسول است) و کسانی که ایمان آورده اند جهاد نمودند با مالها و جانهایشان و خوبی ها و تنها به آنان اختصاص دارد و تنها آنان رستگارانند:

اعد الله لهم جنات تجري من تحتها الانهار خالدين فيها ذلك الفوز العظيم.

خدا برای آنان فراهم نموده باغهای فروپوشیده از گیاهی که از زیر گیاهان و درختان آن نهرهایی جاری می شود آنان در آن جاویدند آن همان رستگاری بزرگ است.

(۱) زینده است که در این مقام لام الرسول لام کمال گرفته شود یعنی الکامل فی الرسالة

یوم لا یُخزى الله النبی و الذین امنوا معه نورهم یسعی بین ایدیهم و بأیمانهم یقولون ربنا اتمم لنا نورنا و اغفر لنا انک علی کل شیء قدير (تحریم - ۸)

روزی که خدا پیامبر و مؤمنان با او را خوار نمی گرداند . نور آنان ، در دو سو شتاب . پیشاپیش آنان و در سمت راست ایشان می گویند : پروردگار ما ، برای ما نورمان را تمام گردان و پرده پوشی کن ، از گناهان ما در گذر ، خطا پوش باش ، همانا تو بر هر چیزی توانایی .

پس ما بیاییم امام زمان (عج) که نیز نور ماست ، الکو و اسوه در هر چیزی از جمله راز و نیاز با خدا قرار دهیم تا صاحب کمالات و درجات مؤمنان در آیات فوق الذکر شویم .

وظیفه سوم :

توجه به شجره مبارک که طیبه اهل البیت صلوات الله علیهم که شما عزیز گرامی در ۲ صفحه ۴۰ و ۴۱ از همین جزوه موقعیت هر یک از این انوار مقدس را در آیه شریفه نور مشاهده کردید پس سالک الی الله از شناخت عمیق این انوار و اقتداء و توسل به این هادیان الی الله بی نیاز نیست زیرا در یک معنی آن فیض ازلی و سرمدی پروردگار بدون واسطه بر مشکوة دلها و ارواح این خانواده می تابد و آنان همانند منشورهایی می مانند که آن نور تابیده را تجزیه و به سایر دلها منعکس می کنند . امام صادق (ع) به دو آقایی که قدری به خود مغرور شده بودند یعنی سلمة بن کهیل و حکیم بن عینه (عتیه) فرمودند : شرقاً او غرباً فلا تجدان علماً صحیحاً الا من عندنا . به خاور روید یا باختر پس هیچ علم صحیحی نمی یابید مگر اینکه آن نزد ماست .

و در نگاه دیگر این خانواده خداوند اطاعتشان را واجب کرده و اطاعت آنان را قرین اطاعت خویش قرار داده است و مهمترین عامل اطاعت نیز محبت اوست و محبت نیز در سایه معرفت و درک فیض این خانواده حاصل می شود در نتیجه بر ما لازم کرده .

۱- مرآوده با این خانواده در زمان حیاتشان و پس از شهادتشان . امام هشتم علیه السلام : انّ لكلّ امام عهداً فی عنق اولیاءه و شیعته و انّ من تمام الوفاء بالعهد و حسن الاداء زیارة قبورهم ، فمن زارهم رغبة فی زیارتهم و تصدیقاً مما رغبوا فيه كانت ائمتهم شفعاء هم یوم القیمة . همانا برای هر امامی عهد و پیمانی در گردن اولیاء و پیروانش است و همانا از تمامی وفاء به عهد و نیکویی اداء حق امامت زیارت قبور آنهاست پس هر کس آنان را زیارت کند به جهت شوق و رغبتی که به زیارت آنان دارد و از باب یقین به آنچه که امامان به آن رغبت نشان می دهند امامانشان شفیعان آنها در روز قیامت خواهند بود .

۲- عرض حاجات به پیشگاه این عزیزان : و ابتغوا الیه الوسیلة (قرآن کریم) و به سوی او برای خودتان وسیله ای برگزینید .

که این عرض از ما و پاسخگویی از آنان سبب زیاد شدن معرفت و محبت و در نتیجه طاعت آنان را برای ما بسی آسان می گرداند بلکه شوق به طاعتشان را در ما ایجاد می کند .

۳- عرض نصرت و یاری

امام باقر (ع) در حکمت طواف خانه خدا فرموده اند :

و انما امرؤا ان یطوفوا بها لیعرفونا و لیعرضوا علینا نصرتهم .

و تنها این مردم امر شده اند که به گرد خانه بگردند تا ما را بشناسند و بر ما یاریشان را عرضه دارند .

۴- توقیر قلبی و احترام جوارحی که در دل کوچکترین تصور و وهم مخالفی نداشته باشند و احساس خواری در برابر عظمت آنها نماید و در سخن و حرکاتش خضوعش را به پیشگاه این خانواده عرضه دارد که نه تنها انسان صاحب این مقام باشد که : قلبی لقلبکم سلم و امری لامرکم متبع (زیارت جامعه کبیره) .
 قلب من تسلیم قلب شماست و امر من پیرو امر شماست .

بلکه : ائی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم . همانا من یکپارچه تسلیم در برابر کسی که با شما قرار مسالمت دارد و جنگم با کسی که با شما در جنگ است .

۵- اطاعت محض و بی چون و چرا که آن بدون معرفتی^(۱) جامع و محبتی که بر تمامی ظاهر و باطن ما مسلط شود میسر نمی گردد . امام زمان (ع) جویای چنین اصحابی است که آن عزیز در قالب دعای غیبت که توسط شیخ عمروی یعنی نایب خاص اول جناب عثمان بن سعید عمروی صادر شده به توصیف چنین اصحابی پرداخته اند : فقو قلوبنا علی الایمان به حتی تسلك بنا علی یدیة منهاج الهدی و المحجة العظمی و الطریقة الوسطی و قوتا علی طاعته و ثبتنا علی متابعته و اجعلنا فی حزبه و اعوانه و انصاره و الراضین بفعله

پس ، خدای ما ، دلهای ما را بر ایمان او نیرومند گردانی تا ما را در برابرش به راه هدایت و طریقت و راه میانه بکشانی و ما را بر فرمانبرداریش نیرومند گردان و بر

۱- معرفت جامع یعنی شناختی فراگیر از امام زمان (عج) که همه ابعاد امامت را در بر گیرد .

ثابت قدم و ما را در حزیش و در زمره کمک کنندگان و یارانش و خوشنودان به فعلش قرار ده که در این فقره از دعا حداقل با شش چیز یاران حضرت مهدی (ع) توصیف شده اند :

۱- از قوه ایمان نسبت به آقا برخوردارند .

۲- پیوسته در صراط مستقیم بلکه در اعلا درجه اش حرکت می کنند .

۳- راه آنان ، راه میانه و معتدل است از زیاده روی و کند روی بدورند .

۴- بر طاعت آن امام نیرومندند . نه تنها از قوه قلب و اراده برخوردارند و

هیچ امری آنان را سست نمیکند بلکه همه عوائق^(۱) و علائق را خلع نموده و

به دور افکنده اند و بهانه نمی گیرند که « بیوتنا عورة » . خانه های ما

بدون سر پناه است . « امهلنا ینسلخ عنا البرد » .

به ما مهلت ده که فصل سرما به پایان رسد که ما طاقت سرما را نداریم و یا هوا به

شدت داغ است بگذار گرمی هوا کاهش یابد و یا فصل درو محصول و چیدن میوه

است تا فلان وقت مهلت می خواهیم و خود آنچه با بنندگان خدا تسویه حساب

کرده اند که هیچ حقی بر آنان باقی نمانده است مگر اینکه ان را اداء کرده اند و یا

وصیت و دستور العمل مناسب صادر کرده اند به دیگر عبارت چون سبکبال شده اند

به خیل یاران امام زمان (ع) پیوسته اند که مولا امیرالمؤمنین در بیان عام داد سخن

زده اند و فرموده اند : « تخففوا تلحقوا » . سبکبال شوید تا ملحق گردید .

۶- دنبال کردن آثار قولی و رفتاری این خانواده ، تا انشاءالله به این خانواده اقتداء

(۱) عوائق آنچه که مانع راه است و علائق آنچه که باعث سر شکستگی انسان است در این راه بدور

می افکنند با اینکه همه غرایز و عواطف بشری را دارند و لکن طاعت و فرمان امام بر همه چیز در نزد آنان

مقدم است .

نیکو داشته باشیم .

« وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَصُّ أَثَارَكُمْ وَ يَسْلُكُ سَبِيلَكُمْ وَ يَهْتَدِي بِهُدْيِكُمْ وَ يُحْشِرُ فِي زُمْرَتِكُمْ » (از زیارت جامعه)

و خدا مرا از کسانی قرار دهد که آثار شما را پیروی میکنند و راه شما را طی میکنند و به هدایت شما هدایت میشوند .

درسی از قرآن

روزی حضرت موسی (ع) با دوست جوانمردش جناب یوشع به امید دیدار جناب خضر « علی نبینا و آله و علیه الصلاة والسلام » سفر طولانی و مشقت بار خویش را آغاز میکند و آنچنان در این امر ، موسی کلیم خدا جدی است که میگوید :

لا أبرحُ حتى أبلغَ مجمعَ البحرینِ أو أمضیَ حُقْباً * (کهف - ۶۰)

دست از سفر بر ندارم تا به محل اجتماع دو دریا برسیم یا سالهایتمادی به راه خویش ادامه دهم .

چرا ؟ چون وعده دیدار با صاحب علم لدنی ، یعنی صاحب دانش ویژه در محل اجتماع دو دریا داشتند .

فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنِهِمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا *

پس زمانی که به مجمع البحرین رسیدند ماهی خویش را فراموش کردند پس با شگفتی تمام این ماهی در دریا راه خویش را برگرفت ، حال از این دو دریا عبور نموده ، خستگی بر جانسان سایه افکنده و نیازمند بر گرفتن لقمه غذایی برای رفع گرسنگی و تشنگی شدند .

أَتْنَا غَدَاءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا *

غذای وقت چاشت ما را بیاور که این سفر بس برای ما خستگی آورده که دوستش میگوید مگر متوجه نگشتی ، آنگاه که از بیم امواج بلند دریا به آن صخره بزرگ پناه بردی ، موج دریا یا قطرات آب برخاسته از موج دریا سبب زنده شدن ماهی شد و راه خویش را در دریا برگرفت که ناگهان متوجه شد ، ای وای مکان موعود برای دیدار آن رجل غیبی همان لب دریا بوده ، و اینجاست که :

فَارْتَدَّ عَلَيَّ أَثَارِهِمَا قَصَصًا * فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا ءَاتَيْنَهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا
وَعَلَّمْنَاهُ مِمَّنْ لَّدُنَّا عِلْمًا *

پس رد پای خویش را دنبال نموده و بر همان خط برگشتند تا به مجمع البحرين برای دیدار خضر برسند و بحمدالله به مقصد خویش دست پیدا میکنند و او را درمی یابند ، یعنی بقول قرآن :

یافتند بنده ای از بندگان ما را که به او نزد خودمان دانشی عطا کرده بودیم و اینجاست که با تواضع تمام عرض میکند :

هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَيَّ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا *

به من اجازه میدهی که از تو پیروی کنم ، با تو همراه گردم تا به من تعلیم دهی بعض آنچه را که تعلیم یافته ای تا بدینوسیله رشد یابم .

حال ای دوست عزیز در عبادت سابق الذکر از زیارت جامعه کبیره عرض میکنیم :

وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَصُّ أَثَارَكُمْ

و خدا مرا از کسانی قرار دهد که آثار شما را پیروی میکنند .

اشارت نیکو به دوستان حقی دارد که با آن دست بگریبان شدیم و دیدیم که قرآن

فرمود : فَارْتَدَّ عَلَيَّ أَثَارِهِمَا قَصَصًا * پس این اختصاص آثار اهل بیت (پیروی

کردن، دنبال کردن آثار آنها) وقتی که جدیتی موسی گونه به خود گیرد انسان را به وصال ولی حقیقی حضرت مهدی (عج) میرساند که خضر پیغمبر مفتخر به شاگردی آن حضرت است.

و تنها چیزی که این سفر طولانی نیاز دارد همت بلند است:

همت بلند دار که مردان روزگار از همت بلند به جایی رسیده اند

از فوائد این نوع پیروی:

مولایمان حضرت مهدی (عج) به این جماعت اینگونه مرده داده اند:

إِيْمًا عَبْدٌ أَحَبَّنَا وَ أَخْلَصَ فِي مَعْرِفَتِنَا وَ سَأَلَ مَسْئَلَةً إِلَّا وَ نَفَثْنَا فِي رَوْعِهِ جَوَاباً

لَتَلِكَ الْمَسْئَلَةِ *

هر بنده ای که ما را عاشق گردد و در راه شناخت ما اخلاص ورزد و از ما چیزی سؤال کند حتماً جوابی در دلش «مرکز احساساتش» و یا روح و جانش برای این پرسشش می افکنیم. و دیگر فائده این پیروی مهذب شدن انسان به تمام معنی است که هم خود از اخلاق نیکش بهره مند میشود و هم جامعه را بهره مند میکند که چنین انسان بزرگوار، بلند همت، دارای سعه صدر، گشاده رو، مهربان، خدوم (خدمتگذار) دارای دانش عمیق در حکمت عملی که راحتی معضلات عقیدتی، اخلاقی اشخاص، خانواده ها و فامیلها را میگشاید و اگر در این جامعه نقشی محوری پیدا کند، حرکت کاروان جامعه را در مسیری هموار، آسان و سرسبز قرار میدهد و مردم طعم دینداری واقعی را میچشند و در نتیجه آزادگی روحی محیط جامعه را فرا میگیرد و در یک کلمه: انسانها سرخوش از چنین حکیمان تربیت شده به دست مولا میشوند. «اللهم ارزقنا»

وظیفه چهارم

انجام هر خیری که سبب اقبال خدای بزرگ به بنده می شود . ما اگر بخواهیم در عبادت‌مان ، معنویت‌مان ، اخلاق‌مان ، تقوایمان رشد کنیم باید خدای بزرگ را از خود راضی کنیم چون رضایت خدا سبب روی آوریش به ما می شود .

خدا را بر آن بنده بخشایش است که خلق از وجودش در آسایش است
 امام صادق (ع) در سخنی در وصف آنچه که مؤمن سزاوار است داشته باشد فرموده اند : بدنه منه فی تعب و الناس منه فی راحة . بدن خویش را در جهت خوشی و آسایش مردم به زحمت می اندازد . نه تنها مؤمن در جهت آسایش مردم کوشاست بلکه روی آوری مردم را به او در انجام حوائجشان نشانه اقبال خدای بزرگ به خود میداند .

مولا امیر المؤمنین می فرماید :

ان حوائج الناس الیکم من نعم الله علیکم فلا تملوا النعم نقما .

همانا عرضه داشتن مردم حاجاتشان را بر شما از نعمات خدا بر شماست پس نعمت‌ها را خسته ، دلزده نکنید که به نقت بر می گردد

خدمت به بندگان خدا یکی از وظائف صالحان

حضرت بقیة الله امام زمان (عج) در توفیق مبارکی که توسط شیخ محمد کوفی شوشتری خطاب به آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی مرجع وحید عصر خویش صادر می کند فرموده اند :

ارخص نفسک و اجعل مجلسک فی الدهلیز و اقض حوائج الناس نحن ننصرک .

نفس خودت را همانند کالایی ارزان در اختیار مردم قرار بده، خودت را از مردم به دور نگه ندار و مجلس و نشستگاهت را در دالان منزلت قرار ده و حاجتها، نیازهای مردم را بر آور ما تو را یاری می کنیم.

در این فرمایش این نکات به چشم می خورد:

الف: معظم له خودش را مانند کالای ارزان قرار دهد که در دیدگان مردم است. وقتی که جنسی گران شد یا بخواهند آن را گران کنند آن را از تیر رس چشم مردم بدور می دارند و آن را مخفی می کنند در فقه امامیه از جمله شرایع الاحکام مرحوم محقق رضوان الله تعالی می بینیم که بر قاضی مستحب است محل قضاوت خویش را در رجه (میدان بزرگ) آن هم وسط شهر قرار دهد تا مردم به راحتی بتوانند با قاضی ملاقات کنند.

ب- آنقدر تماس مردم با آقای اصفهانی راحت باشد که حتی بنا نباشد از دالان منزل عبور کنند تا به آقا برسند لذا فرمودند در خود دهلیز (دالان) بنشینند.

ج- در اینجا امام زمان سفارش به قضاء حاجات مردم علی العموم می کنند و آن را اختصاص به شیعه و یا حتی مسلمین نمی دهند که اگر نا مسلمانی نیز حاجتی دارد آقا آن را بر آورده کند.

د- و امام صلوات الله علیه برای ایشان ضامن شده اند که او را یاری می کنند. و این یاری در چند جهت می تواند باشد.

۱- هیچگاه صندوق مالی ایشان خالی از پول نگردد.

۲- کلام معظم له نافذ باشد، به جایی دستور می دهند مطابق با دستور ایشان عمل کنند.

۳- و چون آقای اصفهانی بخشی از شبانه روزش اختصاص به رسیدگی به کار مردم است چه بسا وقت و فرصت برای مطالعه و رجوع به منابع برای تدریس کم آورند که یک فقیه باید قبل از تدریس در سه جهت کار کند :

۱- رجوع به قرآن و روایات اهل البیت ۲- تعمق و تدبیر در مضامین ادله فقهی و استظهار معنای مراد ۳- سیر در آراء فقها گذشته برای تحصیل اجماعی و یا دانستن آرای استظهاری آنان از روایات که مخصوصاً از سه امر فوق الذکر امر دوم نیازمند به عنایتی غیبی است و در این مرحله وقتی که فقیه برای رضای خدا و در جهت انجام فرمان امام زمان (عج) بخشی از وقتش صرف امور مسلمین و مؤمنین و سایر خلائق می شود. از نصرت ویژه حضرت در فهم صحیح روایاتی برخوردار می شود و در احادیث اهل البیت داریم : لا یكون المؤمن فقیهاً حتی یكون محدثاً ای مفهماً.

مؤمن فقیه نمی تواند باشد تا اینکه محدث (به فتح دال) باشد یعنی مفهّم باشد به او معانی آیات و احادیث را تفهیم کنند.

و خوش به حال فقیهی که تنظیم آموزش را حضرت مهدی (ع) به عهده گیرند و نه خودش.

سبقت در خیرات

نه تنها خدمت به بندگان خدا وظیفه هر مؤمن به حضرت حجت صلوات الله علیه است بلکه مؤمن به آن امام باید در همه کارهای خیر که رکن اصلیش ولایت است بر همه پیشی گیرد.

قال الله تعالی : فاستبقوا الخیرات این ما تکنونوا یأت بکم الله جمیعاً.

در همه خوابها بر یکدیگر شتاب بگیرید هر کجا باشید خدا همه شما را یکجا می آورد که آنان گوی سبقت را بر دیگران ببرند جزء یاران حضرت مهدی (ع) میشوند و به وقت ظهور خدا همه آنان را در حضور حضرت گرد می آورد.

پای درس امام زمان (ع) برای فراگیری خوابها

برای اینکه بدانیم خدمت به خلق خدا چقدر نزد مولایمان اهمیت دارد به این دو قضیه زیبا که بسیار پند آموز است توجه کنیم که در قضیه نخست دو نفر از شاگردان شیخ رجبعلی خیاط رضوان الله تعالی علیه عهده دار زندگی خانواده سیدی می شوند و یکی از آن دو برای تشریف به محضر امام زمان علیه السلام به ذکری که مرحوم شیخ سفارش کرده بود برای مدت چهل شب مشغول می شود و گویا ذکرش این آیه قرآن:

رَبِّ ادْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَاَخْرِجْنِيْ مَخْرَجَ صِدْقٍ وَاَجْعَلْ لِيْ مِنْ لَدُنْكَ
سُلْطٰنًا نَصِيْرًا. (اسری - ۸۰)

پروردگار من مرا در دخولگاهی راستین داخل گردان و مرا از خروجگاهی راستین بیرون آور (یا خدای مرا در جایگاه صدق داخل گردان و مرا به حق از فساد و تباهی رهایی ده که خروج من از تباهی ها خروجی ظاهری نباشد بلکه با تمام وجودم از تباهی ها خارج گردم.) و برای من از نزد خودت سلطانی یاری کننده قرار ده.

مشار الیه بر این ذکر مداومت همه شبه داشت اما در آن کار خیر یکجا رفوزه میگردد داستان بدینقرار است که پیش از شب چهارم یکی از فرزندان خانواده سید

نزد او می آید و یک قالب صابون می خواهد مغازه دار می گوید: مادرت هم فقط ما را شناخته، فلانی هم هست « اشاره به مغازه دیگر » می توانید از او بگیرید: حال ببینید که امام زمان (ع) ایشان را چگونه توبیخ می کند.

این شخص می گوید: شب که خوابیدم، ناگهان متوجه شدم که از داخل حیاط مرا صدا می زنند. بیرون آمدم کسی را ندیدم، مجدداً خوابیدم باز مرا به اسم صدا زدند... تا سه بار، دفعه سوم درب منزل را باز کردم دیدم سیدی روی خود را پوشانیده است و می گوید: ما می توانیم بچه های خود را اداره کنیم ولی میخواهیم شما به جایی برسید. (با استفاده از کیمیای محبت آقای محمدی ری شهری ص ۲۰۹ و ۲۱۰)

در قضیه دوم: کوتاهی مؤمنین در رسیدگی به یکدیگر خصوصاً به آنان که فرزندان روحی و جسمی حضرت رسول اکرمند. نخست اصل قضیه را با هم تعقیب می کنیم. آنگاه با چشم بصیرت به نقد عمل خودمان می پردازیم که خود را شیعه این خانواده می دانیم:

مرحوم آقا سید کریم محمودی تهرانی که مردی کاسب، دین باور و پروا پیشه بود مدتی در تهران در کوچه غریبان در منزل یکی از بازاریهازندگی می کرد و آن بنده خدا نمی دانست که مستأجر او چه انسان بلند مرتبه و بزرگواری است.

پس از مدتی که سید در خانه او می نشیند به او می گوید: « آقا سید کریم! اگر ممکن است منزل ما را با کمال معذرت تخلیه کنید چرا که خودمان بدان نیازمندیم» سید چند روز مهلت می خواهد تا جایی دست و پا کند اما به هر دری میزند جایی پیدا نمی کند چرا که دارای زن و چند کودک بوده و صاحب خانه ها به خانواده های بدون کودک یا کم تعداد خانه می دهند.

سرانجام کار به جایی می رسد که صاحب منزل می گوید: آقا سید! دیگر راضی نیستم در منزل بمانی، سید بزرگوار با شنیدن این جمله به ناچار اثاث منزل خویش را جمع می کند و در گوشه ای از کوچه پرده ای می کشد و در سرمای زمستان کرسی می گذارد و خانواده خویش را در آنجا پناه می دهد تا خانه ای بیابد. **ناگهان یار از راه می رسد!!!** درست در این فکر غوطه ور بود که چه باید کرد که ناگاه متوجه می شود امام عصر علیه السلام نزدیک می شود به سوی آن بزرگوار می رود و عرض ارادت می کند. آن حضرت می پرسد: «سید کریم! چه می کنی؟» می گوید: سرورم خود می دانید. آن گرامی میفرماید: «دوستان ما باید در فراز و نشیبها شکیا باشند» می گوید: آری سرورم! خاندان پیامبر در راه خدا هر گونه رنج و فشار و آوارگی و زندان و شهادت و اسارت دیده اند اما خدای را سپاس که مصیبت کرایه نشینی ندیده اند که در فصل زمستان از منزل رانده شوند. حضرت تبسم نموده و میفرماید: «آری مهم نیست نگران نباش منزل درست می شود!» و می روند و آنگاه به فاصله چند دقیقه مرحوم حاج سید مهدی خرازی که از تجار و خوبان تهران بود و اندکی به عظمت معنوی آقا سید کریم آشنا سر میرسد و بیدرنگ منزلی را در بازارچه علی شهریاری برای سید کریم خریده و او را به خانه جدید می برد.

(ر.ک. کرامات صالحین ۱۱۸ و ۱۱۹)

اما مؤلف محترم پرواز روح ساعت وصال و آنچه را که در باطن رخ داد با خامه خویش اینچنین به تصویر می کشد: در این بین حضرت بقیه الله ارواحنا

فداه نزد او می روند و می گویند : ناراحت مباش اجدادمان مصیبت‌های زیادی کشیده اند . سید عبد الکریم می گوید : درست است ولی هیچ یک از آنها مبتلا به ذلت اجاره نشینی نشده بودند . حضرت ولی عصر ارواحنا فداه تبسمی می کنند و به این مضمون با مختصر کم و زیادی میفرمایند درست است ، ما ترتیب کارها را داده ایم من میروم پس از چند دقیقه دیگر مسأله حل می شود .

آن تاجر تهرانی که قضیه را نقل می کرد در اینجا اضافه کرد و گفت : که شب قبل من حضرت ولی عصر ارواحنا فداه را در خواب دیدم ، ایشان به من فرمودند: فردا صبح فلان منزل را به نام سید عبد الکریم میخری و در فلان ساعت او در فلان کوچه نشسته ، میروی و کلید منزل را به او میدهی .

من از خواب بیدار شدم ، ساعت ۸ صبح به سراغ آن منزل رفتم دیدم صاحب آن خانه می گوید : چون مقروض بودم دیشب متوسل به حضرت بقیة الله ارواحنا فداه شدم که این خانه به فروش برسد تا من قرضم را بدهم . من خانه را خریدم و کلیدش را گرفتم و وقتی خدمت مرحوم سید عبد الکریم رسیدم که هنوز تازه حضرت بقیة الله ارواحنا فداه تشریف برده بودند .

(پرواز روح ص ۱۷۴ و ۱۷۵)